

دو گفتار از کاسترو



دیجیتال کننده: نینا پویان

ترجمه: ج- نوایی

دو گفتار از کاسترو

(تأثیر سیاسی انقلاب بر زنان کوبا و لزوم استراتژی کومک
کشورهای تولیدکننده نفت به کشورهای کم‌پیشرفت)

ترجمه ج. نوائی



کتابخانه مرکزی
جمهوری اسلامی ایران
تهران
کتابخانه مرکزی
جمهوری اسلامی ایران
تهران

با یاد رفیق مرضیہ احمدی اسکوی و
ہمہ زنان شہید قہرمان راہ خلق میهنم

تأثیر سیاسی انقلاب
بر زنان کوبای امروز

میهمانان عزیز* ؛

رفقای عزیز حزب و حکومت ؛

رفقای گرامی فدراسیون زنان کوبا ؛

ما به پایان این کنگره عالی رسیده ایم . و ارزیابی رویدادی
چنین سرشار از کمالات و امید کار چندان سهلی نیست.
نخست این که این کنگره سر به سر کنگره خاص ما نبوده است ؛
هیئت های نمایندگی شایان تحسین زنان انقلابی سراسر جهان درین
کنگره سهم فراوانی داشته اند .

حضور رفقای بلند آوازه بی نظیر فنی ادلمن (Fanny Edelmna)
والن تینا ترشکووا و آنجلا دیویس و هورتن شیا بوزی (H. Buusi)
درین کنگره ؛ و شرکت زنانی بی شمار از کشورهای برادر امریکای
لاتین ؛ و حضور زنان عرب و خصوصاً نمایندگان خلق قهرمان فلسطین ؛

* این نطق را فیدل کاسترو در جلسه اختتامیه کنگره دوم فدراسیون زنان
کوبایی هاوانا، ۲۹ نوامبر، سال ۱۹۷۴، در « پانزدهمین سال گشت انقلاب »
ایراد کرده .

و تشریف فرمایی زنان هندوچین و در میان آنان ، خلق هزاران بار
قهرمان ویتنام (ابراز احساسات) ؛ و زنان کوره و زنان خلق انقلابی و
ترقیخواه افریقا، و زنان کشورهای برادر سوسیالیست و نمایندگان
زنان کارگر اروپای غربی، نه آیا این حکایت از آن دارد که نمایندگان
اصیل ترین و برحق ترین آرمانها در سرتاسر جهان اینجا گردآمده اند ؟
از فراسوی اقیانوسها و سرحدات و زبانها ، نمایندگان زنان
ترقیخواه سرتاسر جهان درین کنگره دست همدیگر را گرفته و تشریح
مסاعی کرده اند . و دیگر نیازی نیست که اصطلاح «خارجی» را برای
مشخص کردن این نمایندگان به کار بریم ، چه ، ما در تمام ادوار این
احساس را تجربه کرده ایم که همه بخشی از یک میهن و یک خلق هستیم:
میهن همگانی و نفوس انسانی. این امر اثبات می کند که هیچ چیز
مگر استثمار و بهره کشی و بی عدالتی مردم را از هم جدا نمی کند و
هیچ چیز بیشتر از اشتراک آرمانها و اشتیاق به عدالت ، خلقها را متحد
و یک پارچه نمی سازد.

مسایلی را که ما درین کنگره مورد بحث قرار دادیم یک فایده
بهراستی همگانی دارد. اینها تنها مسایل زنان کسوبا نیست بل مسایل
اکثریت بزرگ زنان در جهان است.

واضح است که زنان نیاز دارند که در مبارزه علیه استثمار، علیه
امپریالیسم و استثمار و نوژادگرایی و در یک کلمه: در مبارزه
برای رهایی ملی شرکت بجویند. اما وقتی هدف رهایی ملی سرانجام
حاصل شود ، زنان باید به مبارزه برای رهایی خود در چارچوب
جامعه انسانی ادامه دهند . (ابراز احساسات)

ما پاره‌یی یافته‌ها را از گزارشی که اداره آمار سازمان ملل متحد به دست داده است همراه آورده‌ایم که وضع زنان را در اکثر نقاط جهان نشان می‌دهد.

زنان ۳۴ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند، یعنی ۵۱۵ میلیون تن کارگر. در پایان دهه کنونی، ارزیابی شده که این رقم به ۶۰۰ میلیون تن و در سال ۲۰۰۰ به ۸۴۲ میلیون تن سر خواهد زد. در اروپای غربی و امریکای شمالی، زنان بین ۳۰ و ۴۰ درصد از نیروی کار را تشکیل می‌دهند.

بر رغم افزایش شمار زنان در مراتب شغلی، علی‌الخصوص در پست‌های حرفه‌یی و فنی، گزارش سازمان ملل متحد تأکید می‌کند که زنان در مقایسه با مردان حقوق کمتری دریافت می‌کنند. گزارش می‌افزاید «گرچه راست است که موانع قانونی علیه مجال‌های برابر شغلی برای زنان ناچیز است و اصول دستمزد برابر برای کار برابر هم اکنون به‌طور کلی پذیرفته شده، در عمل این وضع، کاربرد فوری معیارهایی را برای از میان بردن این گونه تبعیضات ایجاب می‌کند.» در بسا کشورهای صنعتی، دستمزد زنان تقریباً ۵۰ تا ۸۰ درصد دستمزد مردان برای ساعات مشابه کار است. در کشورهای روبه‌رشد حقوق‌های نازل زنان حکایت از آن دارد که زنان به نازل‌ترین سطوح کار و مشاغل بر حسب مهارت و دستمزد جذب می‌شوند. بر روی هم، تکیه این گزارش بر روی مسأله دستمزدها است. البته، از تعداد بی‌شمار مسائلی که بر زندگی زنان در جامعه طبقاتی جهان سرمایه‌داری اثر می‌گذارد تحلیلی به دست نمی‌دهد.

به طبع، در کشورهای سوسیالیستی، زن در جاده‌های خود
پیش‌رفته و مسافت درازی از آن را طی کرده است. اما چطور است
که ما از خود درباره وضع خودمان جويا شويم: ما که يك کشور
سوسیالیست هستیم با تقريباً ۱۶ سال انقلاب، آیا می‌توانيم واقعاً بگويم
که زن کوبایی تساوی حقوق کاملی در عمل کسب کرده و در جامعه کوبا
سربه‌سر يگانه شده است؟

برای نمونه می‌توانيم برخی یافته‌ها را بررسی کنیم. پیش از
انقلاب، ۱۹۴۰۰۰ تن کارگر زن فعالیت می‌کردند، ازین شمار، طبق
گزارشی که من اینجا دارم، ۷۰ درصد خدمتکار بودند. امروز ما سه
برابر آن زنان شاغل داریم. شمار زنان در مشاغل غیر نظامی دولتی، که
همان گونه که می‌دانيد اکثر فعالیت‌های تولیدی و خدمات اداری را
شامل می‌شود، ۵۹۰۰۰۰ تن زن از کل ۲۳۳۱۰۰۰ فردی است که کار
می‌کند. یعنی ۲۵/۳ درصد کارگران زن هستند. با این همه، شمار زنانی
که شاغل پست‌های برجسته در تمام این دستگاه تولید و خدمات و
اداری می‌باشند تنها ۱۵ درصد است. زنان عضو حزب ما فقط ۱۲/۷۹ درصد
را تشکیل می‌دهند. رقمی کاملاً نازل. و شمار زنانی که به عنوان کادرها
و مقامات حزبی کار می‌کنند فقط ۶ درصد است.

معهد ما نمونه دیگری داریم که جنبه توضیح دهنده آن قابل
توجه است و به انتخاباتی مربوط می‌شود که برای قدرت توده در استان
ماتانزاس (Matanzas) برگزار شد. شمار زنانی که به عنوان کاندید
گزین شدند ۷/۶ درصد و تعداد زنان انتخاب شده ۳ درصد بود. این
مطلب را رفیقی از ماتانزاس می‌گفت.

این ارقام موردی است که باید وجهه نظر قرار گیرد و ما را بر آن می‌دارد که کاری در رفع این مشکل انجام دهیم. به این دلیل که در آن انتخابات نامزدها توسط توده‌ها پیشنهاد شدند و توده‌ها تنها ۷/۶ درصد زنان نامزد را پیشنهاد کردند، آن هم در زمانی که زنان تقریباً ۵۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. و توده‌ها تنها ۳ درصد زنان را انتخاب کردند.

چه کسی درین کنگره، هر يك از نمایندگان مدعو که طی يك هفته با شما بوده است می‌تواند دزك كند و تصور نماید یا مجسم کند که چگونه، با چنین نهضت پایدار و از لحاظ سیاسی پیشرفته زنان، تنها ۳ درصد آنان در انتخابات انتخاب شدند؟

و این ارقام هیچ چیز را بیشتر از این واقعیت منعکس نمی‌کند که بعد از ۱۵ سال انقلاب، ما هنوز از لحاظ سیاسی و فرهنگی درین مورد کمیتمان لنگ است.

واقعیت این است که هنوز عوامل عینی و ذهنی بی‌وجود دارد که علیه زنان تبعیض روا می‌دارد.

به طبع اگر ما وضع کنونی خود را با آنچه که قبل از انقلاب وجود داشت مقایسه کنیم، پیشرفت‌ها بزرگ و کلان بوده است. این امکان حتی وجود ندارد که بتوان به هر نوع مقایسه‌یی میان وضع زنان قبل از انقلاب و وضع کنونی آنان پرداخت. و آن وضعی که انقلاب با آن رویاروی شد، ایجاد فدراسیون زنان کوبا را سر به سر توجیه کرد. چه، تجربه ما به ما می‌آموزد که وقتی کشوری کم پیشرفت به سان کشور ما خود را آزاد می‌سازد و بنای سوسیالیسم را پی می‌افکند،

سازمانی خلقی نظیر این ضروری است، زیرا زنان وظایف بی‌شماری دارند که در چهار چوب پویش انقلابی باید از عهده آن برآیند. و به همین علت ما اعتقاد داریم که تصمیم به گسترش این جنبش زنان، به منظور ایجاد این سازمان که در ۲۳ ماه اوت سال ۱۹۶۰ پا به عرصه نهاد، به راستی تصمیمی بخردانه بود چون کاری را که این سازمان انجام داده است با هیچ اسباب و وسایل دیگری نمی‌توانست انجام پذیرد.

حزب بدون این سازمان زنان چه می‌توانست بکند؟ انقلاب چکار می‌توانست صورت دهد؟

راست است که ما سازمان‌های توده‌یی عظیم دیگری داریم، مانند اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های CDR و سازمان‌های دهقانی و سازمان‌های جوانان و دانشجویان و سازمان پیشگامان و حتی سازمان نوزادگاه‌ها. اما کدام سازمانی می‌توانست وظایفی را انجام دهد که فدراسیون زنان کوبا انجام داده است؟

رفیق ویلما (Vilma) از آن وظایف بی‌شمار گزارش تاریخی در خوری ارایه داد، ولیکن، پیش از هر چیز، تذکار مبارره برای بسط تفاهم فرهنگی و سیاسی در زنان کوبا اهمیت دارد، چرا که در جامعه سرمایه‌داری زنان از لحاظ فرهنگی و سیاسی ستم‌دیده باقی مانده‌اند، آنان در قیاس با مردان مجال‌های آموزشی کمتری دارند و بسا زنان در جامعه طبقاتی دقیقاً به دلیل سطح نازل آگاهی سیاسی اغفال می‌شوند و به کرات از آنان علیه پویش‌های انقلابی استفاده می‌شود.

کافی است به یاد داشته باشیم که در میان وظایف مذکور، پاره‌یی

اهمیت کلان داشت. در نخستین برداشت، وظایفی که به دفاع از انقلاب
و میهن و به مبارزه بابتی سوادى و به كوشش برای آموزش دختران دهقان
و مبارزه به منظور آماده کردن کارگران محلی برای کارهای تولیدی و
مبارزه علیه روسپی گری ، و مبارزه برای متشکل کردن زنان در کار و
تلاش به منظور ایجاد نوزادگاهها و وظایف حمایت از آموزش و
اقدامات بهداشت عمومی و کار اجتماعی و عمیق تر کردن شعور سیاسی
و ایده‌تولوزی در میان زنان و مبارزه جهت بسط روحیه انترناسیو-
نالیستی در زنان کوبا مربوط می‌شد.

فدراسیون در تمام این زمینه‌ها کار کرده است و همه این وظایف
را با موفقیت به انجام برده است. و تنها زنان خود می‌توانستند این
فعالیت‌ها را با چنان مهارت و کارآیی انجام دهند.
با وصف این ، در مرحله کنونی انقلاب ، زن وظیفه‌ی اساسی
دارد: او باید نبردی تاریخی را پی بگیرد.

و این وظیفه چیست؟ این نبرد کدام است؟ می‌توانید پاسخی
بدهید؟

قضیه ، یعنی هسته تحلیل و كوشش‌های این كنگره چه بود؟
مبارزه برای برابری زنان (كف‌زدن حضار). مبارزه برای یگانگی
كامل عیار زنان کوبا در جامعه!

و این به راستی نبردی تاریخی است. و ما معتقدیم که این هدف
دقیقاً نکته اساسی این كنگره بود، چه، در عمل برابری كامل عیار زنان
هنوز وجود ندارد (ابراز احساسات).

و ما انقلابی‌ها باید این امر را درك کنیم و زنان خود باید آن را

دریابند. البته، این تنها وظیفه زنان نیست. وظیفه تمام جامعه است!
(کف زدن حضار).

اما آدم نباید ازین که برابری زنان در جامعه مورد بحث قرار
می گیرد بیمی به دل راه دهد، گرچه وقتی بحث طرح قانون خانواده
راه افتاد بعضی ها ترسیدند (خنده و کف زدن حضار).

و بلاز (Blas) اینجا برای ما بسا از گفت و گوهایی را که با
بعضی رفقای مرد داشته بود - که از مطلب سر در نیاوردند شرح کرد
و بالاخره اعتقادات خود را با این استدلال قشنگ خلاصه کرد که
سعادت مرد بدون سعادت زن امکان پذیر نیست (ابراز احساسات).

وما نمی دانیم چرا باید کسی هراس داشته باشد، زیرا آنچه مایه
ترس ما به عنوان انقلابیون می شود پذیرفتن این واقعیت است که زنان
هنوز در جامعه کوبا از برابری کامل برخوردار نیستند (ابراز احساسات).
آنچه مایه نگرانی ما در مقام انقلابیون می باشد این است که کار
انقلاب هنوز کامل نشده است.

البته در این عدم تساوی و نبود یگانگی کامل، چنان که گفتم،
عوامل عینی و عوامل ذهنی مدخلیت دارد. به طبع هر آن چیزی که از
تشکل و آمیزش زنان در کار جلو می گیرد، این پسویش یگانگی را
دشوار می سازد و سد راه جریان رسیدن به برابری کامل می شود. و شما
مشاهده کرده اید که دقیقاً وقتی زن با کار یگانه می گردد و هنگامی که
انجام فعالیت های سنتی و تاریخی را متوقف می کند، در همین موقع
این گونه مسایل چهره می نماید.

در گفت و گو با تنی چند از نمایندگان درین کنگره، انسان

رضایت خاطر و شادمانی وافر خود را ابراز کردند که ، طی این ایام کنگره ، بسا شوهران آنان درخانه ماندند و از بچه‌ها نگهداری کردند تا آنها بتوانند به کنگره بیایند (کف‌زدن حضار). بی‌چون و چرا اگر این زنان با فدراسیون پیوند نمی‌خوردند و این مهم را به‌انجام نمی‌بردند و اگر آنان رزمندگان انقلابی نمی‌بودند و درین کنگره شرکت نمی‌کردند ، چنین قضیه‌یی هرگز درخانه‌شان رخ نمی‌نمود و برای شوهران جهت درك این ضرورت و آن وظایف هیچگاه مجالی پدید نمی‌آمد.

درمیان عوامل عینی که از درآمیختن زنان در آموزش و کار جلو می‌گیرد، پاره‌یی درینجا مذکور افتاد ، مانند کمبود نوزاد گاه‌ها و آموزشگاه‌های روزانه و آموزشگاه‌های شبانه‌روزی کافی، این مسایل به ساعات کار مدارس مربوط می‌شود و به این عوامل ما می‌توانیم عدم مشاغل کافی برای زنان در سرتاسر کشور و نیز این واقعیت را بیفزاییم که بسی از زنان از سطح شرایط دلخواه برای آن‌گونه کار تولیدی برخوردار نیستند.

درین زمینه ، تا آنجا که موضوع به نوزاد گاه‌ها و آموزش مربوط می‌شود، انقلاب اقدامات بس گسترده‌یی انجام داده است و طی چندسال آینده - و خصوصاً در پنج سال آینده از سال‌های «۸۰ تا ۷۰» - تلاش بزرگتری به عمل خواهد آورد ، تا نخست نیازهای دم‌افزون آموزشی خلق خود را اجابت کند و درعین حال درآمیختن زنان را در کار تسهیل نماید.

گنجایش کنونی نوزاد گاه‌ها تقریباً ۵۰۰۰۰ تن کودك است .

در نیمه اول برنامه پنج ساله آینده، طرح ساختن ۴۰۰ باب نوزادگاه با گروه‌های دولتی، گذشته از آن گروه کوچک ساختمانی در نظر گرفته شده است (کف‌زدن)، تا این گنجایش را به ۱۵۰۰۰۰ تن کودک افزایش دهیم. یعنی، به سه برابر گنجایشی که اکنون داریم.

نیز ما در نظر داریم ۴۰۰ باب آموزشگاه روزانه برای ۳۰۰ تن دانش‌آموز در هر یک یا به همین تعداد بسازیم تا گنجایش آنها برای ۱۲۰۰۰۰ تن کودک افزایش یابد؛ و قصد داریم دست کم هزار باب دبیرستان با گنجایش بیش از نیم میلیون تن دانش‌آموز اضافی مدرسه شبانه‌روزی بنا کنیم.

نیز به ساختن نوعی مدرسه توجه خاص مبذول می‌شود که چنان که می‌دانید اهمیت فراوانی دارد و آن مدارس ویژه برای شاگردانی با مشکلات خاص است. نظر این است که مدارس با گنجایش بیش از ۴۰۰۰۰ تن دانش‌آموز برای این نوع آموزش ویژه ساخته شود.

همپای این، انقلاب امر گسترش بخش بهداشت عمومی را در چند سال آینده ادامه خواهد داد: ۴۹ باب بیمارستان تازه و ۱۱۰ پلی کلینیک و ۱۹ کلینیک دندان پزشکی و ۵۱ باب خانه برای کهنسالان و ۱۶ آسایشگاه برای معلولین در سرتاسر کشور بنا خواهد شد.

کل هزینه‌ی که به امور آموزش و بهداشت همگانی در پنج سال آینده اختصاص خواهد یافت تقریباً ۱/۶۵۰ میلیون پزو می‌شود (ابراز احساسات). به نظر ما این اخبار برای اعضای فدراسیون خوش خواهد بود. (کف‌زدن حضار). و این بدان معنا نیست که ما کاری نورا آغاز

می‌کنیم ، بل بیشتر افزودن وزن آن چیزی است که هم‌اکنون ساخته می‌شود ، چه ، اکنون نیز هر سال بیش از ۱۸۰ باب دبیرستان برای ۵۰۰ تن دانش‌آموز در هر يك، بنامی گردد (كف‌زدن حضار).

برنامهٔ ساختمان بیمارستان هم‌اکنون پیش می‌رود ؛ نخستین دسته‌ها برای ساختمان نوزادگاه‌ها نیز سازمان یافته‌اند . و دسته‌های مورد لزوم برای بنای ۴۰۰ باب نوزادگاه مطروحه و ساختن مدارس ویژه و پلی‌کلینیک‌ها و خانه‌های کهنسالان و آسایشگاه‌های معلولان و آموزشگاه‌های روزانه در سطح ابتدایی ؛ باری این دسته‌ها که هنوز وجود ندارند، در آغاز سال ۱۹۷۵ سازمان خواهند یافت.

این برنامه در دست تهیه است و ما کاملاً یقین داریم که به‌موقع اجرا در خواهد آمد.

طی این مباحثات، ما توانستیم اهمیت کلانی را که شما برای این مسایل و خاصه مسایل آموزشی قایل شدید درك کنیم. می‌توان گفت که بخش اعظم مباحثات کنگره به‌گرد این مسایل می‌چرخید . با این حال در زمینه‌های آموزش و بهداشت عمومی میهن ما در میان تمام کشورهای امریکای لاتین مکان نخست را حایز شده است (ابراز احساسات).

و راستش ما تازه شروع کرده‌ایم. دقیقاً در سال‌های اخیر بود که انگیزهٔ بزرگ مدرسه‌سازی پیدا شد. و تازه ما نه تأسیسات به‌قدر کافی داشتیم نه کادر و نه معلم به‌اندازهٔ لازم. انقلاب باچه انبوه مشکلاتی رویاروی شده است تا این برنامه‌های آموزشی و برنامهٔ بهداشت عمومی را به‌موقع اجرا در آورد، آن‌هم وقتی که از ۶۰۰۰ تن پزشك

ما، که تقریباً تمام شان در شهر هاوانا متمرکز بودند، یانکی‌ها ۳۰۰۰ تن از آنان را از ما ربودند. این یکی از اشکال بی‌شماری است که امپریالیست‌ها برای انجام جنایات خود به کار می‌بندند؛ چه، اگر آنان در نقاط دیگر - مانند ویت نام - توپ و بمب فرو می‌ریزند تا مردم را نابود کنند، درینجا آنان سعی ورزیدند تمام پزشکان ما را بر بایند تا مردم ریق رحمت را سربکشند؛ همان گونه که ما را محاصره اقتصادی کردند و هنوز در محاصره گرفته‌اند تا خلق از گرسنگی از پای درآید.

البته امروز ما ۹۰۰۰ تن پزشکی در اختیار داریم و آنان طبیبان تابناک حاذقی هستند (کف زدن حضار)، و بیش از ۶۰۰۰ تن از جوانان در مدارس طب تحصیل علم می‌کنند (ابراز احساسات). بنابراین ما نه تنها قادریم نیازمندی‌های پزشکی خود را تأمین کنیم و با افزایش کیفیت آن این مهم را انجام دهیم، بل همچنین حتی توانسته‌ایم دسته‌های پزشکی را برای کمک به دیگر خلق‌های برادر سازمان دهیم (کف زدن حضار). و در سال‌های آینده هر سال ۱۰۰۰ تن پزشکی تربیت خواهیم کرد (کف زدن)، و بعضی از پزشکان خواهند توانست خدمات انترناسیونالیستی خود را انجام دهند (ابراز احساسات). و خدمات بهداشتی ما از حیث کیفی بهبود خواهد یافت و بر امراض چیره خواهد شد و برخی ازین بیماری‌ها را ریشه کن خواهد کرد.

وزیر بهداشت عمومی شرح کرد که میزان مرگ‌ومیر کودکان چه تعداد است: ۲۷/۴ در هر هزار نوزاد. در برزیل - که حتی آمار مرگ‌ومیر وجود ندارد - تخمین زده می‌شود که میزان آن بحتم

بین ۲۰۰ و ۱۵۰ تن باشد. و بدبختانه این مصیبت بسا از دیگر کشور-
های امریکای لاتین را شامل می‌شود. این بدان معنا است که در مقابل
هر کودک که در کوبا می‌میرد، چهار، پنج، شش و هفت کودک در دیگر
کشورهای امریکای لاتین در می‌گذرند. همین امر در مورد بسی مسایل
دیگر صدق می‌کند: مرگ و میر در سنین دیگر- زیرا ما در باب مرگ
و میر در نخستین سال تولد - توجه پزشکی و به‌طور کلی از آموزش
حرف می‌زنیم.

وزیر آموزش از ارقامی سخن گفت که بر سطح ترقی آموزش
در کوبا بازتاب دارد: تمام بچه‌هایی که در مدارس نام‌نویسی می‌کنند
و شمار دم‌افزونی که از کلاس ششم ابتدایی تصدیق می‌گیرند و انفجاری
که هم‌اکنون ما در سطح دبیرستان با آن روبرو هستیم، با این برآیند
که تمام ساختمان‌هایی که ما بنامی کنیم کافی نیست.

معهدا در سال‌های آتی مسأله، تنها شمار بچه‌هایی نیست که
تحصیل می‌کنند، بل همچنین کیفیت آموزش ما مطرح است. و آموزش
ما از لحاظ کیفی هر سال بهبود خواهد یافت، همراه با نظام نوینی که
طرحش ریخته می‌شود و با شمار روبه‌تزايد جوانانی که برای معلمی
تحصیل می‌کنند و به گروه تعلیماتی می‌پیوندند.

پس اگر ما هم اینک از حیث آموزش و بهداشت عمومی مقام
نخست را در میان کشورهای امریکای لاتین حایز هستیم، در پنج یا شش
سال دیگر وضعیتمان چه خواهد شد؟ در سال‌های آینده، با توجه به این
وزن ساختمانی و پیشرفتی که ما اکنون داریم کدام دورنما در پیش

رویمان است؟

و اینجا يك کشور، تحریم شده است کشوری که امپریالیست‌ها علیه آن جنایت تحریم اقتصادی را مرتکب شده‌اند. ولابد باید از خود پرسیم: چرا تحریم؟ و در کشورهایی که تحریم نشده است چه اتفاقی افتاده است؟ در زمینه آموزشی چه روی داده است؟ در عرصه بهداشت عمومی چه پیش آمده است؟ چه تعداد بی‌سواد دارند؟ شمار بچه‌های بدون مدرسه چه میزان است؟ و چه تعداد خردسال هر روز به سبب کمبود خوراک و دوا و عدم وجود معاینات پزشکی و هر چیز دیگر قالب تهی می‌کنند؟

اما، بعد، امپریالیسم از جان‌خلاق‌های امریکای لاتین چه می‌خواهد؟ که آن وضع را حفظ کند! و آنان از کوبا چه می‌طلبند؟ جلوگیری از کاری که ما داریم انجام می‌دهیم! و این راست است که آنها به يك هدف نایل شده‌اند، بله: حفظ امریکای لاتین در وضع توهین آمیز کنونی. اما از سوی دیگر، این آقایان با تمام جنایات و تحریم‌های خود، قادر نبوده‌اند که راه توفیق‌های اجتماعی انقلاب کوبا را سد کنند، بلی قادر نبوده‌اند، چون این کار در صورت شدن غیرت می‌خواهد (کف زدن طولانی) .

و این حقایق و واقعیت‌ها بیش ازین اختفاپذیر نیست، مهم نیست که امپریالیسم و باباشمل‌های نو کرصفت آن به چه تلاش‌های مذبوحانه و یأس‌آوری متشبث می‌شوند. و کوس رسوایی این حقایق بر درهر بام و دری در سرتاسر جهان زده می‌شود.

و درسوی دیگر ، ازین اتحاد برای پیشرفت^۱ چه باقی مانده است ، تازه اگر به خاطر کسی خطور بکند ؟ هیچ چیز! ناکامی پشت ناکامی، و با این اوصاف، امپریالیست‌ها و نوکران هفت‌خطشان عزم جزم کرده‌اند که تحریم اقتصادی کوبا را، و لوعلیه اکثریتی عظیم از کشورهای امریکای لاتین حفظ کنند.

این امر معضلی برای کوبا پدید نمی‌آورد. اما برای امپریالیست‌های یانکی دردسر ایجاد می‌کند ، چرا که انقلاب‌ها پیش می‌رود و امپریالیسم واپس می‌نشیند . و آنها هر قدر طولانی‌تر تحریم را حفظ کنند، رسوایی گندزاتری گریبان امپریالیست‌ها را می‌چسبد و لیاقت و قابلیت خلق ما و انقلاب ما بهتر مشهود می‌شود ! (کف زدن حضار) . OAS (سازمان کشورهای امریکایی) حتی ارزش اشاره کردن را ندارد . چندروز قبل جلسه داشت . هیچ کس کژنگاهی هم به آن نکرد! (خنده حضار) . گروهی از کشورهای امریکای لاتین که حتی روابطی با کوبا ندارند، علیه تحریم کذا به پا خاسته‌اند: ونز وئلا و کلمبیا و کوستاریکا . راست است که حکومت کوستاریکا علناً اظهار کرده است آن قدر که دل‌نگران غرق شدن OAS بوده دل‌واپس تحریم کوبا نبوده است و اگر تحریم ادامه یابد، OAS سر به سر غرق می‌شود . بگذار OAS و

۱- طرح اتحاد برای پیشرفت را کندی ریخت بسی آن که کشورهای امریکای لاتین در طرح این نقشه عظیم استعماری نقشی داشته باشند . انقلاب کوبا یکی از علل اصلی اجرای طرح مذکور بود . اگر انقلاب کوبا ، دیگر کشورهای امریکای لاتین را تهدید نمی‌کرد این طرح که در اساس منزوی کردن اقتصادی و سیاسی کوبا بود احتمالاً به موقع اجرا در نمی‌آمد . مترجم

پیمان همکاری متقابل ملل آمریکا و تمام چیزهای دیگر ازین قماش
محو و نابود شود!

اما این هم هست که آنها نبردی را ساز کرده اند، علمی مخصوص
و نزوئلا و کلمبیا، البته در حمایت از شمار دم افزون حکومت های
دوستی که ما هم اکنون در امریکای لاتین داریم. دوازده حکومت علیه
محاصره اقتصادی و سه حکومت به طرفداری از آن رأی دادند. و چه
حکومت های حق طلب نمونه یی: (خنده حضار) شیلی و پاراگوئه و
اروگوئه. سه حکومت نمونه فاشیست در قاره و نیز سوپر بدنام ترین
حکومت ها در سرتاسر جهان. گرچه برادران تنی آنان را در ایران و
افریقای مرکزی نیز داریم. و یانکی ها؟ آنها کنار نشستند، به صرف
این که از ریساکاری و دغل بازی دست برندارند (ابراز احساسات).
و برزیل کنار نشست.

لکن آنچه آنان درباره OAS و حکومت های معینی درین
نیمکره می فرمایند جالب توجه است:

مرحمتاً اظهار می کنند که مسئولان ابتکار لغو تحریم ۱۵ رأی
داشتند. یانکی ها شعبده یی ساز کرده اند که دوسوم آراء حاصل شود.
و مسئولان این ابتکار ۱۵ رأی داشتند: ۱۲ رأی علیه محاصره اقتصادی
و به اضافه هائیتی و گواتمالا و بولیوی. و مطابق تمام اخبار و روایات،
این حکومت ها بی شرمانه زر خرید حکومت ایالات متحد شده اند.
علیه چیزی رأی نده، بل ازین قاعده نوین تابعیت کن: «کنار بنشین»
(خنده حضار). گویا فعلاً عصر کناره نشینی است! و نتیجه: سه رأی
موافق، شش رأی «ممتنع» - که نوزاد قاعده تازه است - و ۱۲ رأی

علیه تحریم اقتصادی. ازین قرار، موافق با قوانین امپریالیسم پرستاره، تحریم به قوت خود باقی می ماند. ملاحظه می کنید که آنها چه زحمتی کشیده اند! اسم زحمتکشانشان بد در رفته است (خنده حضار).

اکنون راستش ما نمی دانیم که برخی از حکومت ها که روابطی ندارند و با این حال علیه تحریم رأی دادند، در مقابله با این مانور بی شرمانه و با این توهین و در برابر این گستاخی امپریالیست ها چه کار می کنند.

آدم حتی نمی تواند يك حساب سرانگشتی از تعداد دفعاتی که برخی کشورهای امریکای لاتین خود را فروخته اند به دست دهد. مورد هائیتی، موردی تاریخی است. اوضاع در هائیتی با این همه گرسنگی و بی سوادی و فقر، دهشتناک تر ازین نمی شود؛ و خلق هائیتی پر ادب ترین مصیبت هایی را که يك خلق می تواند طاقت بیاورد تحمل می کند. آنان همسایه ما هستند. يك وقت آنها را برای آن که اقداماتی علیه کوبا به عمل آورند خریدند؛ و اکنون از نو رأی شان را خریده اند! و هر دفعه که جلسه یی برگزار می کنند، حکومت هائیتی به فکر می افتد که چند رأی کم یا چند تا زیاد دارد و این که چه قدر باید برای رأی پول خرج کنند. باز روز از نو و روزی از نو. داد و ستد آغاز می شود و بار دگر فروخته می شوند و اکنون از نو فروخته شده اند.

و بانکهای اسم این را يك سازمان بین المللی، يك سازمان منطقه یی می گذارند. چه اسم با مسمايي. داد و ستد همان است فقط اسمش عوض شده است!

اما کسانی که فی الواقع می اندیشند که OAS و ITMA

(پیمان همکاری متقابل ملل آمریکا) در شرف اضمحلال است راه عقل سلیم را پیش گرفته‌اند و ما چاره‌ی نداریم جز این که ببینیم OAS سرانجام جان‌ش به لب می‌رسد، آن وقت احساس راحتی و خوشحالی می‌کنیم! (کف‌زدن حضار) . و خیال همه شما آسوده باشد که ما هیچگاه يك انگشت هم برای نجات آن دراز نخواهیم کرد - البته اگر میسر باشد که جنازه‌ی را نجات داد. و ما با صبر و استقامت تا غرق نهایی آن، اکنون و در هر زمان دیگری که این جسد نیمه جان برای يك بار و همیشه دراز شود به انتظار می‌نشینیم و صلواتی هم نمی‌فرستیم! و ما موضع و اصول خود را، که باید این دستگاه امپریالیستی فروریزد حفظ خواهیم کرد. و ما واقفیم که اگر حکومت‌های امروز کاری نکنند که این دستگاه فروریزد و نابود شود، يك روز خلق‌ها این کار را انجام خواهند داد! (ابراز احساسات طولانی) . و من معتقد نیستم که تمام حکومت‌های آمریکای لاتین در این برهه از زمان چندان کشتی به OAS داشته باشند. هر قدر موضع آنان مستقل و مترقی و بالنده باشد، نفرت‌شان نسبت به این دکان عمیق‌تر خواهد شد. با این همه، انقلاب کوبا باید حکومت‌هایی را که علیه محاصره اقتصادی رأی دادند مورد توجه قرار دهد، هر چند که آنها با کوبا روابطی نداشته باشند. و ما ازین فرصت استفاده می‌کنیم تا سپاس و احترام خود را ابراز نماییم (کف‌زدن) و اگر هر يك ازین حکومت‌ها بر آن شود که روابط خود را با کوبا از سر گیرد، ما به هیچ وجه مخالف از سرگیری مناسبات با آنها نخواهیم بود (ابراز احساسات). آنها در مواجهه با جنایت و جسارت توهین‌آمیز امپریالیستی، تنها با موضع

شجاعانه می‌توانند پاسخ دهند. و این چیزی است که تاریخ در آینده رقم خواهد زد: آن حکومت‌ها به قدر کافی مصمم بودند که درین لحظه موضعی دلیرانه را انتخاب کنند! (کف‌زدن حضار).

در موارد دیگر، شتاب ما برای چیست؟ اگر ما داریم موفق می‌شویم و به طرف پیروزی کوس بسته‌ایم و اگر اکنون میهن ما بر رگم محاصره، بیش از هر وقت دیگری پیشرفت می‌کند و اگر تمام برنامه‌های ما با وجود تحریم اقتصادی به موقع اجرا درآمده است پس چرا باید ناشکیب باشیم؟ و تمام آن بیمارستان‌ها و پلی‌کلینیک‌ها و کلینیک‌های دندان‌پزشکی و مدارس و نوزادگاه‌ها و دانشگاه‌ها را ما، بر رگم محاصره طرح ساختنشان را ریخته‌ایم (ابراز احساسات).

پس میهن ما می‌تواند راه خود را به آرامی و با اعتماد به نفس به پیش ادامه دهد. این پانزده سال به بطلت سپری نگشت. و انقلاب امروز بیش از گذشته پابرجا و استوار هست، و انقلاب امروز بیش از هر وقت دیگری استحکام یافته است و انقلاب امروز با ریتم و وزنی طی طریق می‌کند که هیچگاه در گذشته حرکت نکرده بود.

من این همه حرف زدم تا عوامل عینی را که مانع یگانگی زنان می‌شود، با اشاره به مدارس و بیمارستان‌ها و غیره بر شمرم. و راستش همین قدر میل داشتم که برای شما اندیشه‌ها و طرح‌هایی را که با حل این معضلات در ارتباط است بیان کنم.

شما از تمام گوشه و کنار این مملکت آمده‌اید. اینجا رفقای حضور دارند از گوانه (Guane) و جزیره پینس (Pines) و استان هاوانا و ماتانزاس و خاگویی (Jaguey) و استان اسکام برای

(Escambray) و سانچتی اسپریتوس (Sancti Spiritus) و سولا (Sola) و وی گویتاس (Veguitas) و گوانتانامو (Guantanamo) (کف زدن حضار)؛ و شما واقف هستید که چگونه مدارس انقلاب از همه جا سربرمی آورد و چسان دورنما و زندگسی حومه های شهرهای ما را تغییر می دهد (ابراز احساسات) . و ما با همین وزن و نواخت پیش و بازهم پیش خواهیم رفت.

مسأله بی که درینجا مطرح شده بود این بود که آیا اقدامات مشابه در مدارس متوسطه در حومه شهر به مانند آموزشگاه های روزانه با توجه به حال فرزندان که مادران شان کار می کنند به عمل می آید و این که اکنون برخی نواحی است که تمام دانش آموزان ، تمام آنها ، هم اینک در مدارس متوسطه در حومه شهرها درس می خوانند ، همه دانش آموزان درین سطح. مناطق مختلفی در روستاها است که البته این مشکل در آنها دیگر وجود ندارد زیرا از تمام جوانان مراقبت می شود .

وزیر آموزش عواملی را که مانع این امر است برشمرد و موضوعی را که يك جوان بدون دبیرستان مکاتبه بی است و نه شاگردی که تصدیق کلاس ششم ابتدایی را گرفته و به سطح عالی تری نمی رود مورد توجه قرار داد ؛ و همین اصول به علت مشکلات مورد بحث نمی تواند در این گونه مدارس عملی شود. اما، ما معتقدیم، با این همه، بازهم می توان کاری به نفع بچه هایی که مادران شان کار می کنند ، یعنی دانش آموزان دبیرستان، در نواحی و استان های معین انجام داد ؛ چه، برای مثال بسا اوقات آنان يك مدرسه کامل را به منظور دایر کردن يك

مدرسه ابتدایی منحل می کنند و در هر حال ناگزیرند که محل هایی را برای آن گونه شاگردان بیابند.

ولیکن این طرح ، طرح عادلانه یی است ؛ یعنی اشتیاقی که اینجا توسط برخی رفقای نماینده ابراز شد و درعین حال نیز منصفانه است که مشکلات وزارت آموزش مدنظر قرار گیرد ، چون مشکل شماره یک این وزارتخانه این است که تمام تغییرات و تلفیقات ممکن را به عمل آورد تا به این هدف که هیچ شاگرد کلاس ششمی بدون مدرسه نماند نایل آید.

نیز ما معتقدیم که ، در درازمدت مسأله آموزگاران کمکی حل خواهد شد. از دیدگاه ما کشور باید با ضرورت استخدام شماری از رفقای متخصص در این وظیفه روبرو شود و لازم خواهد بود که از ملاحظات اقتصادی، تحلیلی به دست دهیم و نیز تسهیلاتی را که این دسته از معلمان کمکی باید ادامه دهند بررسی کنیم.

اگر هم اکنون نزدیک به ۶۰۰۰۰ تن زن شاغل سرگرم کار هستند و ۲۵۰۰۰ تن دیگر در پنج سال آینده به مراکز کار جذب خواهند شد، راه حل دیگری وجود نخواهد داشت مگر این که مسایل مربوط به ساعات را از میان برداریم که مدارس ابتدایی و آموزشگاه های روزانه و مسایل روزهای شنبه بدان می پردازد.

مشکل تعطیلات نیز مطرح شده بود . و ما معتقدیم که کشور منابعی در اختیار دارد که می تواند مسأله تعطیلات تابستانی را حل کند، زیرا ما سرگرم ساختن صدها باب مدرسه متوسطه در بیلاقات هستیم و از این تأسیسات نیز می توان برای طرح های تعطیلات تابستانی بهره

جست .

اینها بناهای عظیمی است و ما اکنون امکانات بهره جویی از آنها را در تعطیلات تابستانی بررسی می کنیم. بسی ازین مشکلاتی که شما درینجا مطرح کرده اید با آنچه ما امروز در اختیار داریم رفع شدنی است. و در درازمدت تمام این مشکلات که از پیوستگی زنان در کار جلومی گیرد و مشخص ترین مانع راه پیشرفت زنان کسوبا در امتداد جاده رهایی خود آنان محسوب می شود از پیش پا برداشتنی است و ما در برابر تمام این دشواری های عینی دیر یا زود چیره خواهیم شد. قضایای دیگری وجود داشت که دست کم در مباحثات کنگره بدانها اشاره نشد، مانند مسایل مربوط به لباس شویی ها و جزاینها. اما ما این مشکلات مادی را حل خواهیم کرد.

و اکنون دشواری های دیگری وجود دارد، که آنها را به عنوان خصوصیات ذهنی و جهت نظر قرار می دهیم. و این دشواری های ذهنی کدام است؟ مسأله فرهنگی قدیمی و عاداتی دیرینه ساله و روحیات عهد عتیق و تعصب و پیشداوری های قدیمی مطرح است.

فی المثل مجریانی هستند که هر گاه بتوانند به مردی کار رجوع می کنند و به زنی کار نمی دهند و این عمل آنان چند علت دارد: آنان به مسایل ایجاد کار و قضایای مادر بودن و در دسرهای ناشی از غیبتی که یک زن ممکن است داشته باشد می اندیشند. علل و عوامل بسیار است؛ اما واقعیت این است که زن بر حسب مجال های شغلی مورد تبغیض قرار می گیرد.

یک بار قطعنامه ۴۷ حکم کرده بود، که شماری از مشاغل،

مشاغل معین فقط برای اشتغال زنان مشخص شود. بعدها، این قضیه درکنگره کارگران بررسی شد و پیشنهاد گردید که قطعنامه ۴۷ لغو شود و درعین حال قرار شد که قطعنامه ۴۸ که زنان را از اشتغال به شغل‌های معین منع می‌کرد، عمیق‌تر مورد مطالعه قرار گیرد.

در حال، این معضل باید از میان برود، اگر نه در شکل حمایت از این گونه مشاغل - که مشکلات خاصی را پدید آورده است، زیرا بسا اوقات کارکنان زن واجد شرایط برای کار مربوطه رجوع نمی‌کنند - دست کم در ایجاد کار در مراکز کار، در مشاغلی که در آنها، حق تقدم زنان باید رعایت شود؛ و در هر صنعت تازه و هر مرکز کار نوین ایجاد کار باید مورد توجه قرار گیرد. و حزب و سازمان‌های کارگران و سازمان‌های توده‌یی و ادارات عمومی در داوری کارآیی این گونه مراکز کار، باید این امر را مورد توجه قرار دهند که آیا محل‌های شغلی که برای زنان حق تقدم قایل می‌شود در واقع و بهراستی زنان در آن اشتغال دارند.

و هر کارخانه تازه‌یی که در هر شهرک کوبا ساخته می‌شود باید از هم‌اکنون معین کند که چه نوع کاری قرار است به زنان محول شود (ابراز احساسات) تا بدین سان وقت کافی برای پرداختن به گزینش و تربیت آن دسته از زنان وجود داشته باشد.

ضوابط و خط‌مشی حزب و سازمان‌های توده‌یی باید ابقاء و تأمین شرایطی برای زنانی باشد که قرار است در کار جذب شوند. نخست، قضیه عدالت اساسی مطرح است؛ و دوم ضرورت الزام آور انقلاب است، این خواست پیشرفت اقتصادی ما است، چه، در مواردی

نیروی کار مردانه کافی نیست، بلی کافی نیست!

وازمین سبب لازم می آید که پیکاری پایدار علیه آن روحیاتی ساز شود که در مورد زنان در مجالهای شغلی آنان تبعیض رومی دارد.

درین کنگره، شما به انواع دیگر مشکلاتی که زنان دارند اشاره کردید، مشکلات مربوط به خانه و مراقبت از بچه و عادات عهد عتیق و راههایی را برای غلبه بر این مشکلات پیشنهاد کرده اید.

در پژوهشی که به عمل آمده بود، نشان داده شد که مردان گرایشهای منفی دارند و برخی زنان نیز ازین گونه گرایشها دارند و آمده بود که این امر به اقدام آموزشی ویژهیی نیاز دارد.

ما باور داریم که این مبارزه علیه تبعیض زنان و تلاش برای تساوی و یگانگی آنان باید با یاری تمام جامعه صورت گیرد. و در برداشت نخست این وظیفه حزب ما است؛ و وظیفه مؤسسات آموزشی و تمام سازمانهای تودهیی ما می باشد.

ما از سخنانی که در اینجا به نام جوانان ما ایراد شد سخت خشنود شدیم، در باب این که آنان خود چگونه جهادی را به منظور غلبه بر پیشداوریها و روحیاتی که گرانجانی می ورزد پی می گیرند.

شاید این گونه عوامل ذهنی بر مبارزهیی حتی گسترده تر از عوامل عینی دلالت دارد. زیرا همپای پیشرفت اقتصادی مان، ما بر مشکلات مادی فایق خواهیم آمد و یک روز تمام نوزاد گاههایی که نیاز داریم و تمام آموزشگاههای روزانهیی را که احتیاج داریم و همه مدارس شبانه روزی و خدمات مورد نیاز را در اختیار خواهیم داشت (کف زدن حضار).

اما ما همچنین باید از خود پرسیم که کی روش‌های قدیمی اعتقادات را ریشه کن خواهیم کرد و چه وقت بر همه آن تعصبات و پیشداوری‌ها چیره خواهیم شد. البته، ما تردید نداریم که این گونه تعصبات سرانجام از میانه برمی‌خیزد. نیز سخت مشکل می‌نمود که بر مفاهیم مالکیت خصوصی که قبل از انقلاب در جامعه ما وجود داشت فایق آییم. تصور زندگی بدون مالکیت خصوصی امکان‌پذیر نبود. و امروز به‌راستی تصور زندگی بدون مالکیت سوسیالیستی و سایل تولید غیرممکن است (ابراز احساسات).

اما بسا خلق و خوی‌ها از دورانی باقی مانده که مطابق آن زنان نیز در چهارچوب جامعه، ملك و مال به‌شمار می‌آمدند. و اکنون این گونه اعتقادات باید از میان برود. و ما درك می‌کنیم قانون خانواده فی‌نفسه، که این همه مباحث را دامن زده است، وسیله درخور اهمیت حقوقی و آموزشی است که به‌غلبه بر آن عادات و آن قماش از پیشداوری‌ها کومك می‌کند.

لکن برای نیل به این هدف‌ها، مردان و زنان باید دست‌در‌دست یکدیگر مبارزه کنند، زنان و مردان باید جداً و عمیقاً ازین مسأله آگاه شوند. آنان باید به کومك یکدیگر این پیکار را پی‌بگیرند. و ما یقین داریم که این مبارزه پی‌گرفته می‌شود و به‌پیروزی نایل می‌آید! و ما مسلم می‌دانیم که شما نیز درین مورد یقین دارید! (ابراز احساسات) و توافق‌های این‌کنگره ساز و برگ‌های بس کارآیی در این مبارزه خواهد بود.

من معتقدم که تمام قطعنامه‌ها بسیار ارزشمند و درخور اهمیت

است. قطعنامهٔ مربوط به زن کارگر و زن جوان و زن دهقان و کدبانوها و نقش FMC (فدراسیون زنان کوبا) و نقش خانواده در سوسیالیسم؛ و قطعنامهٔ ویژه دربارهٔ شرکت زنان در تربیت بدنی و تفریحات و ورزش‌ها؛ و قطعنامهٔ مربوط به سه سال بین‌المللی زنان و همبستگی و دعوت الهام‌بخش از زنان کوبا و امریکای لاتین و زنان سراسر گیتی به منظور همبستگی باشیلی. تمام این قطعنامه‌ها، قطعنامه‌های گران‌سنگ این کنگره است.

و ما معتقدیم که تمام این اسناد را باید برداشت و مطالعه کرد. و نه تنها در محافل فدراسیون، بل همچنین دیگر سازمان‌های توده‌بی و حزب نیز باید آنها را مطالعه کند (ابرازاحساسات).

زیرا این قطعنامه‌ها برنامهٔ راستین کار را برای این مبارزهٔ تاریخی و برای این پیکار تاریخی که شما در پیش روی دارید تا این وظیفهٔ انقلابی را به‌انجام برید ارایه می‌دهد.

یکی از چیزهایی را که انقلاب ما در سال‌های آتسی داوری خواهد کرد این است که ما چگونه مسایل زنان را در جامعه و سرزمین خود حل و فصل کردیم (ابرازاحساسات)، هر چند این یکی از مسایل انقلابی است که به‌پافشاری و پایداری و پایداری و تلاش افزون‌تری نیاز دارد.

در باب مسألهٔ پیشداوری، به شما گفتیم يك بار چه اتفاقی در سیرا مائسترا (Sierra Maestra) اتفاق افتاد وقتی که ما برای سازمان دادن دستهٔ «ماریانا گراخالس» (Mariana Grajales) رفتیم و با مقاومت سختی درمورد مسلح کردن این واحد زنان روبرو

شدیم و این خاطره‌یی است برای ما که چند سال قبل ما چقدر زیاد عقب مانده بودیم. برخی مردان معتقد بودند که زنان توان جنگیدن ندارند. ذمی خیال باطل!

معهدا آن واحد سازمان یافت و زنان به نحو احسن جنگیدند باتمام دلاوری که دلیرترین سربازان ما می‌توانستند نشان دهند.

این قضیه در تاریخ نخستین بار نبود که رخ می‌داد. در مبارزه زیرزمینی زنان وظایف بس بی‌شماری را انجام دادند که در مواردی با خطری بزرگتر از خطرات خط مقدم جبهه روبرو شدند. و در درازای جنگ جهانی دوم و به هنگام تجاوز فاشیستی علیه اتحاد شوروی هزاران زن در واحدهای ضد هوایی و در جنگنده‌ها و بمب افکن‌ها و حتی با چریک‌ها و در جبهه به‌نبرد پرداختند. با این‌وصف هنوز پیشداوری‌ها و تعصبات دیرینه ساله گرانجانی می‌ورزد و تحمیل می‌شود.

وطبیعت زن را از لحاظ جسمی ضعیف‌تر از مرد ساخت، لکن قالب او را از حیث روحی و فکری کهنتر از مرد سرشت (کف زدن حضار). و جامعه انسانی وظیفه داد که نگذارد این تفاوت قدرت‌بدنی به‌موردی تبعیض‌آمیز علیه زنان تبدیل شود. این دقیقاً وظیفه جامعه انسانی است: که هنجارهای همزیستی و عدالت را برای همه پی‌افکنند.

و صد البته جوامع استثمارگر و طبقاتی زنان را استثمار می‌کند و بر آنان تبعیض روا می‌دارد و ایشان را قربانی نظام می‌کند. جامعه سوسیالیستی باید تمام اشکال تبعیض علیه زنان و تمام مظاهر تبعیض

غیر عادلانه از هر قماش را ریشه کن کند (ابراز احساسات).
اما زن نیز وظایف دیگری در جامعه دارد. زن کار گاه طبیعت
است که زندگی در آن شکل می گیرد. او بلند مرتبه ترین صانع و خالق
موجود انسانی است. و این را من از آن روی می گویم که زن به جای
این که آماج تبعیض و نابرابری قرار گیرد، شایسته توجه خاصی از
طرف جامعه می باشد.

این نکته را من به این دلیل ذکر کردم چون چیزی است که
باید ما دقیقاً ملکه ذهن خود کنیم: مبارزه برای برابری و یگانگی کامل
زنان هرگز نباید با عدم رعایت حال آنان قلب ماهیت شود؛ این
بدان معنا نیست که عادات احترام آمیزی را که هر زنی لایق آن است
از دست بدهیم (کف زدن حضار). زیرا کسانی هستند که تساوی را با
گستاخی و بی ادبی اشتباه می گیرند (ابراز احساسات).

و اگر زنان به لحاظ جسمی ضعیف تر هستند، اگر آنان باید
مادر باشند؛ و سوای مسئولیت های اجتماعی و کاری شان، سنگینی
بار تولید مثل و بچه داری را تحمل می کنند تا موجود انسانی را که
پای به جهان می گذارد به دنیا آورند (ابراز احساسات)، و اگر آنان
به لحاظ جسمی و زیستی فداکاری هایی را تحمل می کنند که کارکرد
های مذکور برایشان همراه می آورد، پس همین زنان هستند که باید
از تمام احترام و توجهی که در جامعه شایسته آن می باشند به نحو احسن
برخوردار شوند (کف زدن حضار).

اگر قرار است در جامعه انسانی امتیازی وجود داشته باشد و اگر
بناست در جامعه انسانی نسا برابری یافت شود، باید به نفع زنان

امتیازات کوچک خاص و نابرابری‌های ناچیز معینی وجود داشته باشد
(ابراز احساسات).

ومن این نکته را به وضوح و بی‌پرده می‌گویم ، زیرا برخی مردان می‌انگارند وظیفه ندارند که در اتوبوس جای خود را به یک زن آبستن بدهند (کف‌زدن حضار) ، یا به زنی سالدار یا به دختری خردسال یا به زنی در هر سن و سال که سوار اتوبوس می‌شود (ابراز احساسات). به همان نسبت نیز که من گمان می‌کنم هر جوانی وظیفه دارد در اتوبوس صندلی خود را به یک پیرمرد بدهد (کف‌زدن حضار). همین حس مسئولیت اساسی است که ما باید نسبت به دیگران داشته باشیم: در اتوبوس و در کار تولیدی و در کامیون ، باید به هر دلیل رعایت حال دیگران را کرد.

این امر در مورد زنان صدق می‌کند و باید با آنان چنین رفتاری داشت زیرا آنان به لحاظ جسمی ضعیف‌تر هستند و به این دلیل که ایشان وظایف و عمل کردها و مسئولیت‌های انسانی دارند که مرد ندارد (ابراز احساسات).

ازین روی ما از آموزگاران مان و از پدران و مادران و از سازمان‌های جوانان و پیشگامان مان درخواست می‌کنیم که به این سنخ از رفتار در بچه‌ها و به این نوع رفتار در جوانان مان توجه خاص مبذول بدارند .

زیرا سخت اسفبار خواهد بود اگر ، با این انقلاب حتی خاطره‌یی از آنچه مردانی در جامعه بورژوا بر سر آئین جوانمردی بورژوایی یافتند نباشد. و به جای آئین جوانمردی بورژوایی

وفثودالی ، باید آئین جوانمردی پرولتری و ادب و نزاکت و آداب و ملاحظه و توجه پرولتری نسبت به زنان وجود داشته باشد (ابراز احساسات) .

و من این را با این یقین می گویم که اشخاص آن را درک می کنند و از آن حصه می برند، با این یقین که هر مادر و پدری میل دارد که پسرش پرولتر جوانمردی باشد (کف زدن حضار) ، آن نوع مردی که به زنان احترام می گذارد و رعایت حال آنان را می کند و قادر است اندک ایثاری بکند که مایه رسوایی هیچ مردی نمی شود بل برعکس باعث بلندی و ارتقاء اخلاقی او می گردد (ابراز احساسات) .

ومن اینجا ، در اختتام این کنگره که در آن مسأله مبارزه برای برابری و بیگانگی زنان، هسته فعالیت سیاسی و انقلابی آنان در سال های آتی شده است (کف زدن حضار) این موارد را می گویم تا مبدا مطلبی با مطلب دیگر اشتباه شود. من هر آنچه را که واقعاً احساس می کنم می گویم .

و ما همیشه به اشکال لفظی و زبانی تبعیض علیه زنان تصادفاً برمی خوریم؛ آگاپیتو فیگوروا (Agapito Figueroa) رفیقی که اینجا از طرف کارگران سخن گفت از اصطلاحات تبعیض آمیزی که به کار می رود حرف زد. و ما باید حتی درین مورد احتیاط کنیم. زیرا گاه ما شعاری به کار می بریم که سخت دلنشین می نماید ، مثلاً: «زن باید رفیق مرد باشد»؛ ولی ممکن است شخصی نیز بگوید: «مرد باید رفیق زن باشد». (کف زدن حضار) .

نوعی عادت زبانی وجود دارد که همیشه مرد را مرکز هر چیز

قرار می‌دهد و این از نابرابری نشانه دارد، یا نابرابری را بازتاب می‌کند و عادات اندیشیدن را منعکس می‌سازد، هرچند زبان در تحلیل نهایی کمترین اهمیت را دارد، کلمات کمینه‌ترین بهاء را حایز است. مواقعی هست که کلمات چیزی را در گذشته به‌خاطر ما می‌آورد، هرچند دیگر همان معنی را ندارد. اعمال است که به راستی اهمیت دارد! در پراتیک (عمل) باید آب دیده شد نه در لفاظی و فلسفه بافی!

بسا چیزها درباره این کنگره ما را تحت تأثیر قرار داد. پیش از همه و مثل همیشه شور و حرارت و نشاط و کشش و علاقه‌ی است که شما نشان داده‌اید؛ اما علی‌الخصوص سطح آگاهی سیاسی است که این کنگره منعکس کرد، چه، این کنگره پیشرفت سیاسی زن کوبایی را باز نمود. کادریایی که در نهضت زنان کوبا قامت می‌کشند بر ما تأثیر گذاشتند؛ نیز سرعت انتقال و ژرفا و اطمینان و ایقانی که نمایندگان درین کنگره نشان دادند.

من می‌دانم که میهمانان ما تحت تأثیر قرار گرفتند زیرا وزیر مسئول را در مباحثه با شما و شمارا در مناظره با او دیدند؛ آنان از صداقت و صراحت و سادگی چشمگیر و صرافت طبع عمیقی که مباحثات ظاهر ساخت رضایت خاطر داشتند. و این همه، البته در فضایی سخت منضبط چهره کرد.

راستش ما چندان تحت تأثیر این چیزها واقع نشدیم، زیرا همه بدان عادت داریم و هیچ چیز خارق‌العاده‌ی در این واقعیت وجود ندارد که وزیری و شخص دیگری در باب مسایلی بسا شما یا درین باره در مجمع دانشجویی یا کارگری یا هر جای دیگر بحث و گفت‌وگو کند؛

او با توده‌ها به بحث می‌نشیند و اگر لازم باشد هزار و یک توضیح به توده‌ها می‌دهد (کف‌زدن حضار).

نیروی انقلاب درین خویشی و نزدیکی و در این اتحاد و یکسانی میان توده‌ها و حکومت و میان خلق و دولت و مردم و مقامات نهفته است همین امر است که به انقلاب نیروی شکست ناپذیری می‌دمد، چه، توده‌ها بر همه چیز ناظر و شاهد آن هستند - بردولت و حکومت - و بر هر چیزی که متعلق به آنان هست؛ نه بر چیزی دیگر، بر چیزی خارجی یا بیگانه. و هیچ رهبری نمی‌تواند بر مناصب و وظایف و قدرت به عنوان ملك طلق پدری خود چشم بدوزد (کف‌زدن حضار). اما در هر حال سخت مایه خرسندی ما شده است که می‌بینیم چگونه میهمانان ما درباره شکل و محتوی این کنگره نظر داده‌اند.

برای من، پیشرفت‌هایی که زنان کوبا کرده‌اند خصوصاً دلشادم می‌کند، دانش سیاسی کنونی و قدر و مرتبه آنان که در میان توده‌ها راه باز می‌کند، مرا خوشنود می‌نماید - و یقین دارم رفقای دیگر نیز خوشنود هستند - زیرا رهبری تابناکی را که بسط یافته است و کادرهای کارآیی که این نهضت را به رهبری رفیق ویلما اسپاین (Vilma Espin) (کف‌زدن حضار) هدایت می‌کنند به چشم هوش خود می‌بینند، همین رهبران گرانمایه‌یی که سازمان در اختیار دارد؛ تجارب و پشت کار و عمق آنان همراه با کیفیات و خصوصیات انسانی‌شان. درود بر شما خواهران رزمنده مردم گرای که دست در دست برادران و همسران خود بنای سوسیالیسم را پی‌ریخته‌اید! و باز مشاهده می‌کنیم که در استان‌ها و در مناطق و در شهرداری‌ها همین سنخ از کادر قد برمی‌افزاد و همین نوع

از رهبران قامت می کشند. و می بینیم که توده های کارگر چنین نمایندگان بلندمرتبه و تابناک را به این کنگره فرستاده اند (ابراز احساسات).

ما از دیدن نیرویی که انقلاب بر زنان دارد دلشادیم (کف زدن حضار)؛ و خوشنودیم که کیفیت انقلابی زنان کوبا را تأیید کنیم (ابراز احساسات) و باید بر خود ایشاری و انضباط و حمیت و شور حرارت برای انقلاب و برای اندیشه های بر حق و آرمان راستین زنان کوبا درود بفرستیم و فضایل آنان - که بدان در موارد دیگر اشاره کرده ایم - فضایی است که از رزمنده انقلابی و این زنان که تا بدین اندازه از آن برخوردارند طلب می شود (کف زدن حضار). و نیز ما معتقدیم که حزب ما باید بیشتر بر این نیرو تکیه کند (ابراز احساسات) و دولت مان باید بیش از پیش با این نیرو پیوند داشته باشد (کف زدن حضار) و نیز دستگاه تولیدی ما باید بر این نیرو هر چه بیشتر اتکاء کند (ابراز احساسات).

انقلاب از زنان کوبای امروز يك آرتش واقعی (کف زدن حضار) و از آنان يك نیروی مؤثر سیاسی در اختیار دارد (ابراز احساسات) و به همین علت است که ما می گوئیم انقلاب شکست ناپذیر است (کف زدن حضار). زیرا وقتی زنان این سطح از دانش سیاسی و رزمندگی انقلابی را کسب می کنند معنی اش این است که کشور جهش بلند سیاسی داشته و خلق ما به نحو فوق العاده رشد کرده و میهن مان به سوی آینده یی کوس بسته است که هیچ کس را برای توقف آن نیست. این موضوعات در تمام مواقع بهتر و در سطح برتری قرار خواهد گرفت. و به این دلیل است که انقلاب این چنین توش و توانی دارد؛ و این ها

همه به سبب سازمان‌های توده‌ی و شعور سیاسی خلق و به علت وجود حزب پیش‌آهنگ آن است (ابراز احساسات).

مطلبی در یکی از موافقت‌نامه‌های شما وجود داشت که ارزش تأکید دارد و آن توافقی بود دربارهٔ یک کیلو شکر در هر ماه برای یک سال (کف‌زدن طولانی حضار). این خواست از طرف توده‌ها در روشی سر به سر خود به خودی مطرح شد (ابراز احساسات). هیچ شخصی در حکومت در مورد این که این درخواست از مردم به عمل آید، اشاره یا نظر و پیشنهادی مطرح نکرد.

این درخواست یک بار قبلاً در مسورد قضیهٔ شیلی مطرح شد. حزب و حکومت به مردم پیشنهاد کرد که باید برای کومک به شیلی به وقتی که مشکلات اقتصادی آن مشخص شود اقدام کرد.

این بار، به محضی که به واقعیت خشکسالی شدید اشاره شد و ازین مطلب سخن به میان آمد که لازم بود قسمت اعظم محصول نیشکر را برداشت می‌کردیم و این که قیمت‌های شکر خیلی بالا بود، بسا از شهروندان در اماکن متعدد هم‌زمان و به‌طور خود به خودی دربارهٔ این که چه خوب است اگر مصرف شکر خود را قدری تقلیل دهند به گفت‌وگو پرداختند.

بدیهی است، بسا کسان ارزیابی کردند که مصرف داخلی شکر با قیمت‌های کنونی در حدود بیش از ۵۰۰ میلیون دلار است. و به‌طور خود به خودی این ابتکار از میان توده‌ها ظاهر شد. و ما پیشنهاد می‌کنیم: اگر این خواست توده‌ها است و اگر این از پایه مطرح می‌شود، پس باید مورد بحث و تحلیل قرار گیرد؛ اگر تمام سازمان‌ها و تمام مردم

با آن موافق هستند بنابراین ما نیز آن را می‌پذیریم زیرا معتقدیم که نظری است به‌جا و مثبت و صحیح، چون از ته‌دل مردم آگاه و مسئول برخاسته است!

ولیکن بسی مهم‌تر از شکری که باید گردآوری شود و ارزش این شکر، حرکت خلق و علاقه‌ی است که آنان را به امور و مسایل انقلاب دارند. به‌یک کشور سرمایه‌داری بروید و ببینید آیا می‌توانید چیزی از این قسم پیدا کنید!

و آنان اکنون با مسایل تورم و کساد و انواع مسایل دیگر و دشواری‌های هزینه‌ی زندگی و اعتصاب‌هایی از هر نوع دست‌به‌گریبان هستند. این وضع را با وضع ما مقایسه کنید که در عرصه‌ی آن چنین ابتکار عملی از جانب توده‌ها به‌روشی واقعاً خودبه‌خودی جان می‌گیرد و جامعه‌ی عمل می‌پوشد.

ما معتقدیم که ابتکار عمل باید با دیگر سازمان‌های توده‌ی و در تمام مجامع مورد بحث قرار گیرد تا به‌راستی به قالب احساس و رأی جمعی خلق درآید (ابراز احساسات). این خواست بدان معنی است که - در قیمت‌های کنونی و حتی در قیمت‌های نسبتاً نازل‌تر - بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون دلار صرفه‌جویی می‌شود. با ۵۰ میلیون دلار بسا کارها می‌توان انجام داد.

ما اینجا از ۱۰۰ باب مدرسه‌ی متوسطه در حومه‌ی شهر حرف زدیم. حالا هر باب مدرسه ازین نوع حدود یک میلیون پزو خرج برمی‌دارد، اما بر حسب ورود مستقیم اجزاء ترکیبی این مبلغ به ۸۰۰۰۰ دلار سر می‌زند. پس با وارد کردن مستقیم اجزاء ترکیبی، با آن ۵۰ میلیون

دلار پس‌افت، ۴۰۰ یا ۳۰۰ باب مدرسه می‌توان ساخت.

فی‌المثل با ۵۰۰۰۰ تن شکر در این قیمت‌ها یک کارخانه پارچه‌بافی می‌توان خرید که هر سال ۶۰ میلیون مترمربع پارچه تولید کند، یعنی شش مترمربع اضافه پارچه برای هر نفر (براز احساسات). در هر حال، در نخستین مرحله از برنامه پنج ساله، ساختمان سه کارخانه پارچه‌بافی دیگر به اضافه افزودن ظرفیت تولید پارچه و کارخانه‌های کنونی تا حدود ۱۰۰ میلیون مترمربع مورد توجه قرار گرفته است، چون روشن است یکی از مسائلی که ما باید در آینده کم و بیش نزدیک حل کنیم، مسأله پارچه و مقدار پارچه سرانه جمعیت است. ما آن گونه که در جوامع مصرفی به این قضیه می‌نگرند نمی‌نگریم، اما در مورد این واقعیت که ما به مقداری پوشاک بیشتر احتیاج داریم بحثی نیست و چون و چرا ندارد. و ما احتیاجات زیادی داریم، مثل روبالشی و ملحفه و حوله و چیزهای دیگر از این دست. ما از این نیازمندی‌ها به خوبی آگاه هستیم (کف‌زدن حضار). ما از مقدار مصرف سرانه در حال حاضر مطلع هستیم و بدبختانه درین مورد نتوانسته‌ایم تولید را افزایش دهیم. اما اکنون در برنامه پنج ساله آینده قرارداد برخی از این کارخانه‌ها را بسته‌ایم. بدبختانه از مرحله قرارداد تا ساختمان و تولید کامل سال‌ها وقت لازم است. بدبختانه.

در زمینه‌های دیگر ما با سرعت دم‌افزون پیش می‌رویم؛ لکن در زمینه صنعت پارچه‌بافی ازین لحاظ نسبتاً عقب مانده‌ایم. و یکی از آن سه کارخانه - یا هر تأسیسات صنعتی دیگر - که در مرحله نخستین برنامه جای دارد، با صرفه‌جویی شکر به دست می‌آید. بسا چیزهایی را

که برای خلق بسیار مفید است می‌توان به دست آورد. و این ۵۰۰۰۰ تن برای یک سال به هزینه برنامه ۸۰-۱۹۷۶ کومک خواهد کرد. بعضی از رفقا مدتی درازتر را پیشنهاد کردند. از دیدگاه ما به زمان درازتر نیازی نیست. آنچه شما پیشنهاد کردید درست است، باید آن را پیشنهاد سال نامید، زیرا با دو سال خشکسالی سختی که داشته‌ایم مصادف می‌باشد و این خشکسالی البته بر تولید تأثیر منفی داشته است. اگر ما دو سال قحطسالی نداشته بودیم تولید بس افزون‌تری می‌داشتیم و خصوصاً خشکسالی گذشته. و دلیل این امر این است که ذخایر در سرتاسر کشور در پایان فصل بهار خالی شد. ماجرای که قبلاً اتفاق نیفتاده بود. اگر اقدامی در زمینه کشاورزی نمی‌شد تأثیری که بر جای می‌نهاد وصف ناپذیر بود. و اگر کمبود بیشتری نیست، دلیلش این است که کار عظیمی در مزارع نیشکر صورت گرفته است. در سال عادی، تحت شرایط دیگر چنان اقدامی ضرورت نداشت؛ ولیکن آنچه فوق‌العاده هست درک سریع خلق از ارتباط میان خشکسالی و قیمت‌ها است. چرا؟ چون شکر هم اکنون قیمتی قابل ملاحظه دارد. و به طبع این امر به ما کومک می‌کند و ما را خوشنود می‌سازد.

در سال ۱۹۷۰ ما سعی ورزیدیم ۱۰ میلیون تن محصول برداشت کنیم و نتوانستیم؛ اما برداشت محصول شکر سال ۱۹۷۵، در مقایسه قیمت‌های امروز با قیمت‌های ۱۹۷۰، برداشتی است به میزان ۲۰ میلیون تن (ابراز احساسات). البته، این بدان معنا نیست که ما یک شبه میلیونر خواهیم شد (خنده حضار). بسا از فرآورده‌هایی که ما وارد می‌کنیم نیز بسیار گران است. اگر درآمد بیشتری باشد، باید به خوبی

از آن استفاده کرد. زیرا ما باید این واقعیت را به حساب آوریم که گاه قیمت‌های شکر به سه سنت و به دوونیم سنت نزول می‌کند و باین حال ما باید آن را بدون آن که بر مصرف و بهره‌چیز دیگری تأثیر نهد تحمل کنیم. اگر اکنون ما قیمت‌های بالاتری داریم، این امر به تثبیت مالیه و تحکیم اقتصاد ما کمک می‌کند. این بدین معنی نیست که همه آن‌را ما الان مصرف کنیم، خیر! باید برای پیشرفت به کار رود. من معتقدم که مطلب برای همه ما روشن است، درست است؟ (حضار «بله، بله») مسأله که این نیست يك سال مثل اشخاص ثروتمند زندگی کنیم (حضار «خیر، خیر») ، بل باید آینده را بسازیم.

پس مشاهده می‌کنید: آنان که ما را تحریم می‌کنند اکنون بدون شکر مسانده‌اند (کف‌زدن حضار). شکر در سال ۱۹۷۵ برای آقایان نانجیب امپریالیست چقدر قیمت خواهد داشت؟ میلیارد دلار! پس آنها نه تنها باید برای نفت قیمت بیشتری بپردازند، برای شکر نیز ناچارند دلار سبزتری تقدیم کنند! برای حضرات یانکی امپریالیست شکمبار و مال‌مردخوار، میلیاردها دلار خرج برمی‌دارد. باشد، به ما چه مربوط است! (خنده حضار). تا وقتی که شکر در این قیمت بماند ما کلی کیف می‌کنیم (خنده حضار). آنها اکنون بر در هر بام و دری این شعار را می‌نویسند: «شکر مصرف نکنید». و باز از نوازشیرینی‌های مصنوعی استفاده می‌کنند. خوب بکنند. ولسی این گونه شیرینی‌ها سرطان ایجاد می‌کند، بنابراین آنان و امی‌مانند که چکار بکنند. و برای شکر هم باید بیشتر و بیشتر بپردازند! (ابراز احساسات).

البته این شکر کوبا نخواهد بود. شکر کوبا بازار دارد و نوع

خیلی خوبش را دارد. ما عجله‌یی نداریم که به یانکی‌ها شکر بفروشیم. اگر روز و روزگاری خواستند شکر بخرند... ما تحریم‌شان نمی‌کنیم (خنده حضار). ما شکر را به آنها خواهیم فروخت. ینگه دنیا بغل گوش‌مان است و به حمل و نقل کمتری نیاز دارد... خب، فقط یک مقدار از شکر را می‌فروشیم، باشد؟ چون ما تعهداتی برای شکر خود داریم که باید اول نیاز خریدارانمان را برآوریم. اما محاصره اقتصادی از آن‌ها است. اکنون خود آنان از لحاظ شکر تحریم شده‌اند و خیاط در کوزه افتاده است.

و کشور ما کارهای خوبی انجام می‌دهد. پیش می‌رود، خوب هم پیشرفت می‌کند و کار در تمام پهنه‌ها و جبهه‌ها بهبود می‌یابد.

اما سهم معنوی که شما داشته‌اید یاری دهنده بوده است، این کومکی است که اهمیت مادی بس مهمی دارد. معه‌ذا از دیدگاه اخلاقی اهمیت آن باز هم بزرگ‌تر است. این آن چیزی است که شعور سیاسی‌ش می‌نامند و نام دیگرش عمق ایده‌تولوژی است! بعد ازین چه کسی خیال دارد ما را اغفال کند؟ (حضار «هیچ کس!») کدام شخص قصد دارد برای ما دروغ بیافسد؟ (حضار «هیچ کس!») چه کسی می‌خواهد ما را گمراه کند؟ (حضار «هیچ کس!») هیچ کس! و هر سال که می‌گذرد وضع بهتر می‌شود. با گذشت هر سال ما افراد تحصیل‌کرده‌تر و آگاه‌تر و انقلابی‌تر و انترناسیونالیست‌تر خواهیم داشت (ابراز احساسات) •

پس اینها برداشته‌هایی بود که ما ازین کنگره تاریخی داشتیم. ما گمان می‌کنیم که شما نیز از آن راضی هستید (حضار، «بله!»)

و شما نیز خشنود شدید (حضار، «بله!») و ما همه ازین کنگره احساس
غرور می کنیم (حضار، «صحیح است!»). من می توانم گفت که برای
حزب ما نیز این کنگره مایه افتخار است و از آن راضی و خشنود
می باشد (ابراز احساسات و سرودخوانی).

گاه شما می گوید که از ما چیز کی آموخته اید، اما واقعیت این
است که ما از شما خیلی چیزها آموختیم (کف زدن حضار) پس درود
بر شما و بر خلق قهرمان کوبا و بر زنان نماینده خلق های قهرمان سراسر
جهان (حضار، «درود بر همه خلق ها»)، بلی ما از مردم، از تسوده ها
بساجیزها فرا گرفته ایم، زیرا آنان همیشه اعتماد به نفس و ایمان و جذبه
و شور انقلابی ما را طراوت می بخشند و تقویت می کنند.

شما به تربیت ما کومک می کنید و وقتی من می گویم، ما، تنها
در مقام رهبر حزب سخن نمی گویم، بل به عنوان یک مرد نیز حرف
می زنم (کف زدن حضار و سرود خوانی). شما به همه ما، به تمام مردان
و تمام انقلابیون یاری دادید که آگاهی روشن تری ازین مسایل داشته
باشیم. و شما به حزب و به رهبران انقلاب کومک می کنید؛ حزبی که
درصد بس بزرگی از مردان در رهبریش خدمت می کنند (خنده
حضار)، حکومتی که درصد بزرگ مردان چرخ هایش را می چرخانند
و بنابراین به نظر می آید که حزب، حزب مردان و دولت، دولت مردان
و حکومت نیز از آن مردان است، پس برای زنان چه ماند! (خنده
حضار). روزی فرا خواهد رسید که ما حزبی از زنان و مردان داشته
باشیم (کف زدن حضار) و دستگاه رهبری از زنان و مردان و دولت
و حکومتی از زنان و مردان (ابراز احساسات).

و من معتقدم که تمام رفقا واقف هستند که این امر ضرورت
انقلاب و جامعه و تاریخ می باشد . پوشش بالنده تکاملی جامعه چنین
حکم می کند .
انقلابیون کبیر معاصر همیشه از نقش زنان آگاهی داشتند :
مارکس و انگلس و لنین .

لنین چیزی گفته است که بارها درینجا تکرار شده است ، که
پیروزی کامل عیار خلقها بدون رهایی کامل زنان نمی تواند حاصل
شود .

و مارتی (Marti) ، پیشوای استقلال ما ، آرمانهای بس بلند
مرتبه‌یی داشت و سخنان سخت دلنشینی درباره زنان گفت ؛ و نه تنها
دلنشین که عمیق و انقلابی . آنجا که گوید مبارزات خلقها تنها وقتی
نارضا است که آنان از قلب زنان یاری نمی طلبند ، اما وقتی زنان حرکت
می کنند و به یاری می آیند و هنگامی که آنان شورانگیز می شوند و
تحسین می کنند و زمانی که تربیت می یابند و دردمی که زنان با
فضیلت ، کارها را با ملاحظت عشق خود جلا می دهند ، کارشکست ناپذیر
می شود (ابراز احساسات) . یسا وقتی که همو گوید : پرورش طبیعی
زنان امری خارق العاده است . یا هنگامی که اظهار می کند زنان ، به
انکای غریزه ، حقیقت را درمی یابند و آن را پیش می برند . یا جایی که
بیان می کند زنان همسان مردان زندگی خواهند کرد ، به عنوان يك
رفیق و همدم و نه بر روی پاهای آنان همچون يك عروسك قشنگ
(کف زدن حضار) .

بباید پیروان گرانمایه اندیشه های مارکس و انگلس و لنین و

مارتی باشیم (ابراز احساسات).
ومن می دانم که آرزوها و آرمان های برحق شما و آن زنان کوبا
عمیقاً بر قلوب انقلابیون و دلهای تمام خلق رسوخ خواهد کرد.
Patria O Muerte! Venceremos! - یا مرگ یا میهن ! ما
پیروز می شویم ! (زهراة حضار).

لزوم استراتژی کومک کشورهای
تولیدکننده نفت به کشورهای کم پیشرفت

رفقای عزیز فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری* ؛

رفقای کارگر:

امروز سرمایه‌داری و امپریالیسم دوره بحرانی را سر می‌کند. دیگر حتی خوش‌بین‌ترین آرمان‌شناسان (ایده‌نولوژیست‌ها) جوامع بورژوا نمی‌توانند در مقابل شک‌گرایی و پیش‌گویی‌های تاریک و مبهم خود سکوت اختیار کنند. هیچ‌کس نمی‌تواند خبر دهد که کی و چگونه مارپیچ تورمی بی‌سابقه‌ی که جهان سرمایه‌داری در آن گام نهاده است خنثی و بی‌اثر تواند شد. کسی نمی‌داند که چسان وضع کساد در تولید و بی‌نظمی غیرقابل کنترل در سیستم پولی بین‌المللی و بی‌کاری دم‌افزون و بحران بوم‌شناسی (اکولوژی) ناشی از نابودی محیط و حاد شدن فوق‌العاده تناقضات طبقاتی و کشاکش اجتماعی به‌طور کلی - که برای مدتی با پدیداری به اصطلاح بحران انرژی در

* این گفتار را کاسترو به احترام شرکت‌کنندگان در بیست و پنجمین

اجلاس شورای عمومی فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، هاوانا، ۱۸

اکتبر سال ۱۹۷۴ در «پانزدهمین سال‌گشت انقلاب» ایراد کرد.

صحنه شدیدتر شده است - متوقف خواهد شد یا تا کجا ادامه خواهد یافت.

به دیدهٔ بسا اشخاص ، جهان سرمایه‌داری امروز در آستانهٔ شدیدترین مصیبتی قرار گرفته که از دورهٔ تساریک بحران اقتصادی بزرگی سال‌های ۳۰ تا کنون با آن روبرو نشده است.

در اواخر دههٔ گذشته، اقتصاد سرمایه‌داری، که به واسطهٔ سنگینی بار تناقضات خاص خود و مهم‌تر ازین به سبب اشتباهی سیری ناپذیر انحصارهای بزرگ برای سود، به دورهٔ خصوصاً آشوب‌ها و اغتشاش‌های شدید پای گذاشت. در پی فراز و فرودهای مختلف و اقدامات توفیق‌آمیز از جانب حکومت‌های بسورژوا به منظور تثبیت و کنترل اوضاع، نمودارهای اقتصاد سرمایه‌داری، از نیمهٔ اول سال گذشته، کاهش چشمگیر در تولید را نشان می‌دهد که با تشدید دیگر عواملی که بحران را پدید آورده همراه بوده است. در ایالات متحد، که بیکاری در بالاترین سطح سال‌های اخیر بوده است - $5/8$ درصد - پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۹۷۵، به میزان $6/5$ درصد خواهد رسید و این بسا بالاتر از تفاوت احتیاطی است که کارشناسان در تعیین وجود کساد اقتصادی مشخص کردند.

امپریالیست‌ها، و سرآمد همهٔ آنها امپریالیست‌های یانکی که - با متکی ساختن خود به کاربرد چیرگی‌های انقلاب علمی - تکنیکی و نابکارانه‌ترین بهره‌کشی‌ها از کشورهای کم‌پیشرفت - در پی جنگ جهانی دوم به پیشرفت اقتصادی نسبتاً استواری نایل آمده بودند، اکنون خود را در برابر واقعیتی یافته‌اند که، امحای تناقضات ذاتی

نظام نه تنها سهل نیست بل این عوامل به وسیله حساد شدن در سطح کیفی بالاتری لطمه دیده است . بهانه تر اشان جوامع صنعتی بورژوا که تمام پندارهای آرمانی خود را بر اساس سرمایه داری عاری از تناقضات استوار کرده اند ، اکنون خود را مشوش و مبهوت می یابند . در سراسر جهان سرمایه داری به تمامه جنگ های طبقاتی در شکل بی سابقه بی دامن می گسترده . اعتصاب ها افزون می شود و شماردم افزونی از کارگران را در بر می گیرد . مسایل مربوط به تشدید کار و مسابقه نگران کننده دستمزدها و بالا رفتن قیمت های کالاهای مصرفی و کاهش حقوق تقاعد و تأمین اجتماعی به طور کلی و فقر دم ریز بخش های بزرگ حاشیه نشین جمعیت در چهارچوب کلان - شهرهای بورژوا و مسایل اختناق آور آموزش و بهداشت و حمل و نقل و مسکن و مسایل دیگری که بی وقفه بر توده های بزرگ و کار فشار وارد می آورد ، به تمامه تشدید می شود .

مساله به اصطلاح بحران انرژی آشکارا مشکلات امپریالیسم را تصویر می کند ، این بحران در واقع بحران سیاست بهره کشی و چپاول نابخردانه امپریالیسم از منابع انرژی جهان است که به هزینه کشورهای تولید کننده کم پیشرفت و به خاطر منافع نجومی انحصارهای بزرگ بین - المللی تمام می شود . در عمق ، پایداری بر حق کشورهای بی بینی که مواد خام تولید می کنند و دیگر نمی خواهند مبادلات غیر عادلانه و نابرابری را بپذیرند که کشورهای پیشرفته سرمایه داری بر آنان تحمیل می کند .

جهان کم پیشرفت و استعمار زده، که تا دیروز به قیمت بردگی و خون و بهره کشی غارتگرانه اش، جوامع صنعتی بورژوازی اروپا و امریکای شمالی قد برافراشت، امروز با سیه روزی خود پنجه در پنجه می افکند و در گروهی منابعی که می تواند فردا به عنوان اساس پیشرفت آن به کار گرفته شود، به یک مشت جامعه مصرف کننده تجملات پوچ و جنایت بار بدل شده است. لکن این اصطلاحات، که قرن ها تغییر ناپذیر باقی مانده است، امروز بیش از پیش تحمل ناپذیر می شود. کشورهای کم پیشرفت که مواد خام مصرفی در کلان-شهرهای صنعتی بورژوا را تأمین می کند در دفاع از منابع طبیعی خود سلاح نیرومندی یافته است که به اتکای آن قصد دارد به مصاف مبادلات غارتگرانه و نابرابری برود که از دیرباز با آن دست به گریبان بوده است.

معلوم است که چگونه سازمان کشورهای صادرکننده نفت (با OPEC) اقداماتی به عمل آورد - یعنی به وقتی که قیمت های نفت را بالا برد - که عکس العمل تجاوزکارانه دولتمردان ایالات متحد امپریالیست را باعث آمد، هم اینان از آن کشورها درخواست کردند که قیمت های تثبیت شده خود را کاهش دهند و از آنان به سبب دامن زدن به وضع تورمی جهان خرده گرفتند و تهدیدشان کردند که در زمینه تأمین مواد خوراکی تلافی خواهند کرد و ازین گذشته با لحن روزقیامتی زورچپان و راهزنانه خود به آنان فهماندند که گرایش آنها طیف جنگ را همراه خواهد داشت.

راستی، چه کسانی تنها مقصران واقعی مسأله حاد انرژی هستند

که درین برهه از زمان پدید آمده است؟
انحصارهای نفتی و اساساً یانکی‌ها از اقدامات محدود سازنده‌یی
که کشورهای صادرکننده عربی به هنگام آخرین کشاکش اعراب و
اسرائیل اعمال کردند بهره جستند، تا ذخایر پنهان شود و هراس دامن
گسترده و بالارفتن قیمت فراورده‌های نفتی را به این جهت پدید آوردند
تا منافع خود را در سطح خارق‌العاده‌یی افزایش دهند.

پس جای تعجب نیست که هفت شرکت عمده نفتی اعلام کنند
که منافع آنها در سال ۱۹۷۳ ۸ میلیارد دلار بوده است - یعنی ۷۷
درصد بیشتر از منافع سال قبل - و پیش‌بینی می‌کنند در سال جاری
(۱۹۷۴) ۱۷/۵ میلیارد دلار سود ببرند.

انحصارهای نفتی و اساساً یانکی‌ها بودند که قیمت‌های گزاف
را بر بازار بین‌المللی تحمیل کردند تا سودهای گزاف افسانه‌یی
به‌چنگ آورند. این واقعیت که، در اواسط سال گذشته، استخراج یک
تن نفت در خاورمیانه ۷۵ سنت تمام و به قیمت ۲۱ یا ۲۲ دلار فروخته
می‌شد خود بیانگر این امر است. توجه به این نکته نیز خالی از فایده
نیست که تفاوت میان قیمت متوسط نفتی که به کشورهای تولیدکننده
به اصطلاح جهان سوم پرداخت می‌شد و قیمتی که تولیدکنندگان
نفت در داخل کشورهای سرمایه‌داری، اساساً در ایالات متحد تنها در
دوره ۲۰ ساله گذشته پرداختند موازنه‌یی برابر با ۲۱۵ میلیارد دلار
باقی می‌گذارد که برای متورم کردن خزاین انحصارهای نفتی و کلان
- شهرهای امپریالیستی به جیب آنها سرازیر شده است.
افزایش قیمت‌های نفتی را، از سوی دیگر، نباید عامل تعیین

کننده در تورم جهانی انگاشت، تورم قبل ازین که این گونه اقدامات صورت پذیرد به طور قابل ملاحظه‌ای آغاز شد و نتایج آن پیش از همه گریبان کشورهای کم‌بیشرف را چسبید. لزومی نداشت که امپریالیست‌ها برای قیمت‌های نفتی که داشت افزایش می‌یافت منتظر بمانند تا بدون توجه، قیمت‌های خوراکی و مشتقات پتروشیمیایی و تجهیزات و ماشین‌ها و بسا از دیگر فرآورده‌های ضروری را افزایش دهند. امپریالیست‌ها، با ماجراجویی‌های نظامی خود و با هزینه‌هایی که برای حفظ نقش کراهِت آمیزشان به‌عنوان پلیس بین‌المللی خرج می‌کنند و با غارتگری‌های مداوم خود لزومی نمی‌دیدند که افزایش قیمت‌های نفتی را انتظار بکشند تا دلارهایی را که کشورهای تولیدکننده مواد خام در مبادله منابع طبیعی خود دریافت می‌کردند به اسکناس‌های بی‌ارزش تبدیل شود. در آن هنگام هیچ حکومت امپریالیستی در باره وضعی که آن دسته از کشورها گرفتارش شده بودند نگرانی به خود راه نداد. جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی و خیل جوامع مصرفی و تجاوز جنایتکارانه علیه ویتنام - که به قیمت ۱۵۰ میلیارد دلار تمام شد - و هزینه‌های کلان نظامی ایالات متحد با کسری بودجه آن و نظام سرمایه داری با هرج و مرج اقتصادی به تمامه تورم و بحران پولی را باعث آمد.

امپریالیست‌ها، اما، نمی‌خواهند این واقعیت را بر خود هموار سازند که نظامی که آنان بر جهان تحمیل می‌کنند در ورطه بحران دست‌وپا می‌زند؛ و با هر اسباب و وسیله و عللی سعی می‌ورزند که از بحران فرار کنند، منجمله اگر امکان داشته باشد به جنگ متوسل

می شوند و بارسنگین فداسازی‌ها را بر گرده کارگران خود و کشورهای کم‌پیشرفت می‌اندازند. آری، برادر چنین است دردناک‌ترین تراژدی اقتصاد-سیاسی روزگار ما!

چند روز پیش ما ازین واقعیت سخن گفتیم که استراتژی بانکی‌های امپریالیست این بود که کشورهای صنعتی سرمایه‌داری را با هم تحت رهبری خود در آورند و خلق‌های جهان سوم را متفرق کنند و به منظور تحمیل شرایط خود کشورهای تولیدکننده نفت را منزوی سازند.

نیز گفتیم که در مقابله با استراتژی امپریالیستی، یک پارچه‌ترین اتحاد در میان تمام کشورهای کم‌پیشرفت امری ضرور است. لکن این اتحاد، اساساً به این بستگی دارد که کشورهای تولیدکننده نفت چه کار انجام دهند. و ما بر این نکته اصرار می‌ورزیم. این کافی نیست که تنها استراتژی افزایش قیمت‌ها را دنبال کنیم. بسا کشورهای کم‌پیشرفت جهان سوم نفت یا دیگر مواد خام عمده در اختیار ندارند. افزایش همزمان قیمت‌های مواد خوراکی و فراوردهای مصنوعی و تجهیزات تکنولوژی و انرژی، نتایج مصیبت‌باری به بار می‌آورد. واردات ماشین‌ها و نیز مواد سوختی و قیمت فراوردهای صادراتی آنها به ندرت اسعار تمام شده را تأمین می‌کند.

چه چیز باید در اختیار این کشورها گذاشت؟ کدام تکافوی اقتصادی و چه نوع همکاری در پیشرفت آنها لازم است تا آنها بتوانند با کشورهای تولیدکننده نفت آرمان مشترکی بیابند از آن سبب که این کشورها مواد خام ممتاز مصرفی جهان را در اختیار دارند که قیمت آنها بسا بالاتر از قیمت تولید آن است، در نزد خود بخش عظیمی

از ذخایر پولی جهان را می‌اندوزند؟

کشورهای صنعتی سرمایه‌داری به افزایش اسعار فسرآوردهای مصنوعی و ماشینی و تجهیزات تکنولوژیی متوسل می‌شود و این کار را هم اکنون به گونه‌ی سخت افسار گسیخته انجام می‌دهند. جهان‌پناه اصلی امپریالیسم، یعنی ایالات متحده منابع انرژی قابل ملاحظه‌ی خاص خود را در شکل نفت و گاز و ذغال سنگ و سنگ‌های قیری و پروژره‌های هیدروالکتریک و پیشرفته‌ترین تکنولوژی در جهان غرب برای گسترش نامحدود انرژی اتمی را در اختیار دارد. افزون بر این، صادر کننده‌ی طراز اول مواد خوراکی جهان است. ممالک متحده برای مقاومت و چیرگی بر بحران انرژی در وضعی به مراتب بهتر از مابقی جهان سرمایه‌داری قرارداد. بر آینه‌ی نهایی این بحران ممکن است این باشد که ایالات متحده نفوذ و سلطه‌ی خود را باز هم بیشتر بر اقتصاد جهان غرب توسعه دهد. این کشور امروز از بابت وضع خاص اقتصاد خود به عنوان خطر فروریختن سرمایه‌داری در سطح جهانی چندان نگرانی عمده‌ی ندارد.

درین وضع، برای کشورهای کم‌پیشرفت که پیش ازین به آنها اشاره کردیم کدام دورنماها باقی می‌ماند؟ فقر و تنگدستی افزون‌تر و از دست دادن تمام امیدها برای پیشرفت آینده. بیش از چند کشور ازین گونه در جهان وجود ندارد و نمی‌توان آنها را به امان سرنوشت خود رها کرد. به خاطر آنها است که کشورهای تولید کننده‌ی نفت با اضافات مالی کلان خود باید استراتژی کومک برای پیشرفت را پیش بگیرند که تا اندازه‌ی می‌تواند افزایش قیمت انرژی را که بر این گونه

کشورها از دوراه لطمه وارد می‌آورد جبران کند: از راه واردات از جهان سرمایه‌داری صنعتی و از طریق واردات مواد سوختی.

بدبختانه، این کار سهلی نیست زیرا کشورهای تولیدکننده نفت بلوک سیاسی متجانس را تشکیل نمی‌دهند. راست است که آنها هنوز يك استراتژی اقتصادی را در ارتباط با جهان سوم پیش نگرفته‌اند، جهانی که متحد طبیعی آنان به‌شمار می‌رود؛ لکن در عین حال اخبار میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری توسط کشورهای صادرکننده نفت در این چندماه در ایالات متحد و دیگر کشورهای سرمایه‌داری صنعتی در همه‌جا درز پیدا کرده است، این آقایان در کشورهای سرمایه‌گذاری کرده‌اند که بهره‌کشان تاریخی جهان کم‌پیشرفت بوده‌اند. این امر می‌تواند به‌شکل تازه‌بی از بهره‌کشیدن و سیه‌روز کردن بسا خلق‌های جهان سوم تبدیل گردد و بدین‌سان بر سرمایه و ثروت قابل دسترس کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بیفزاید.

وروزی که بخش اعظم پول از برخی کشورهای تولیدکننده نفت در جهان سرمایه‌داری سرمایه‌گذاری شود، دیگر نفت برای آنان وسیله‌رهایی نخواهد بود و سرمایه‌ها در نزد امپریالیسم گرو خواهد ماند. عدم يك خط‌مشی صحیح به‌شکست منتهی تواند شد و درین جنگ که برای تمام کشورهای کم‌پیشرفت انقدر حیاتی و خطیر است، تحمل‌ناپذیر است که آدمی خودپرست یا کور باشد (ابراز احساسات). لازم است که تمام کشورهای کم‌پیشرفت، همگام با حمایت و تفاهم کارگران استثمارشده و تحت ستم کشورهای سرمایه‌داری صنعتی مبارزه‌بی قاطع را علیه مبادلات غیرعادلانه و چپاول منابع طبیعی خود

پی بگیرند.

شمار بشریت به تقریب چهار میلیارد تن می باشد و در طی ۲۵ سال شمار آنان به هفت میلیارد تن سر خواهد زد، اکثریت این انسانها در کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین زاده می شوند و در سرزمین های این قاره ها که امروز کم پیشرفت است زندگی خواهند کرد. آیا این هفت میلیارد نفوس انسانی را به اتکای سپردن منابع طبیعی آن کشورها بسه بهره کشی شتابان و بسی رحمانه انحصارهای امپریالیستی می توان خوراک و پوشاک و آموزش داد و برایشان کار ایجاد نمود؟ اگر ساختارها و نظام مناسبات مبادلاتی غیر عادلانه کنونی که با کشورهای سرمایه داری صنعتی وجود دارد حفظ گردد، کشور های کم پیشرفت جهان سوم خواهند توانست بسا این چالش خوفناک تاریخ پنجه در پنجه افکنند؟ نه آیا راست است که چپاولگری نابخردانه منابع توسط مشرقی جامعه مصرف کننده بورژوا و امحای آشوب گرایانه منابع برگشت ناپذیر و حیاتی مهم توسط آنان و آلودگی که در زمین و رودخانه ها و دریاها و هوا ایجاد می کنند، جنایت محرزی است که آینده نژاد انسانی را جداً به خطر می اندازد؟

البته، کم پیشرفتی تنها علت شوربختی توده ها نیست زیرا به این علت باید بسا علل استثمار خلق ها را توسط اولیگارشی های ارتجاعی و بورژوازی های ملی افزود. چاره کار این است که نه تنها باید به مبادلات غیر عادلانه پایان داد، بل همچنین باید تمام اشکال بهره کشی فرد از فرد را از بیخ و بن برکنند (کف زدن حضار).

به دیده ما این گونه مسایل مستقیماً به کارگران سراسر جهان و

جنبش اتحادیه کارگری مربوط می شود که باید نقش فوق العاده دلیرانه و قاطعانه خود را درین لحظه بازی کنند که بحتمل نقشی برتر برای آینده بشریت می باشد.

در امریکای لاتین، که تا دیروز صحنه استیلای ظالمانه و تحقیر کننده بود، امروز حاکمیت از آن کشورهای روبه اکثریتی است که حق کنترل ثروت خود را طلب می کنند و هواداری خود را از پیشرفت اقتصادی مستقل اعلام می نمایند و برای بسط مناسبات با کشورهای سوسیالیستی گام برمی دارند و علیه مداخله سیا (CIA) و شرکت های چند ملیتی یانکی ها پیامی خیزند و به تلقینات امپریالیسم بسی اعتنایی می نمایند و سیاست خارجی حاکمی را دنبال می گیرند تا توان پرتوش خود را به حریف نشان دهند. فروریختن بالنده تحریم جنایت آمیز اقتصادی و انزوای دیپلماتیکی که حکومت ایالات متحد علیه کوبا تحمیل کرد دلیل قاطع این خط مشی تازه است. امپریالیسم ینگه دنیا در مواجهه با این واقعیت تغییرناپذیر ملتبهانه مانورهایی را پی میگیرد و از طریق استقرار رژیم های سربه سرفاشیستی به تعرضی ارتجاعی در کشورهای مختلف دست می یازد تا حلقوم تمام آزادی هارا بی رحمانه بفشرد و کارگران و مردم و جنبش انقلابی را به سختی سربکوبد

استبداد فاشیستی که در ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۷۳ قدرت را درشیلی قبضه می کند، این ناقص الخلقه ترین و خوارمایه ترین مخلوق سیا و امپریالیست های یانکی، محسوس ترین تظاهر این سیاست است. امروز ما به اتکای اطلاعات و افشاگری های عناصر و مقامات خود اداره اطلاعات مرکزی و از طریق حکومت ایالات متحد می دانیم که این آنان بودند که طی ده سال پیایی تلاش ورزیدند، نخست از پیروزی ملی انتخاباتی و بعد از تصدی ریاست جمهوری آلنده

جلو گیرند و سرانجام با هدایت و کومک مالی ، اقداماتی را در جهت اعتصاب‌های کارفرمایان و خرابکاری‌ها و سوءقصد‌ها و تحریم‌های اقتصادی و مالی و تظاهرات جناح راست و اخبار افتراء آمیز و توطئه فرماندهان ارتجاعی نیروهای مسلح دامن زدند و فتنه انگیز شدند تا به کودتای کثیف و جنایت آمیز ۱۱ سپتامبر و قتل آئنده رئیس جمهور قهرمان خلق شیلی (کف زدن حضار) و سرکوب و وحشیانه‌یی انجامید که از آن زمان زندگانی هزاران میهن دوست شیلیایی را نابود کرده است. از آن پس سرزمین او اگنز (O'Higgins) برناردو - «آزاد کننده شیلی»، سردار و رهبر انقلابی شیلی ۲۳-۱۸۱۷ مترجم) دردناک‌ترین صفحه از تاریخ خود را رقم زده است. شورای نظامی فاشیستی ، بر روی کوهی از اجساد از اریکه قدرت بالا رفت و همه آن را منزوی و رها کردند و این شورای هفت خطان دژخیم نوکر صفت خون آشام تنها و تک افتاده به اتکای شکنجه و سرکوب و گرسنگی و ترور ، که خاص رژیم‌های ضد مردمی و ارتجاعی و جزم اندیش و استبدادی جهان است چند روز و سالی بیشتر خود را بر مناره کله‌ها و چشمخانه های بی حدقه حفظ می کند. باشد آن روز که جنبش توفانزای خاق همچون گردبادی کران تا کران برفرق کله های پوک اینان فرود آید و حیات کثیفشان را برای خلق تحت ستم از صحیفه آن سرزمین قهرمانان برشوید و بروید و براندازد (کف زدن حضار) . این بیست و پنجمین اجلاس شورای عمومی فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری یکی از زیباترین و مبرم‌ترین شعارها را از فعال‌ترین و پویاترین و مصمم‌ترین همبستگی‌ها با خلق شیلی و طبقه قهرمان کارگر آنان برپا داشته است . (ابراز احساسات) ایسن شورای عمومی ، سال ۱۹۷۵ را سال همبستگی با شیلی و همه قربانیان جهانی ارتجاع و فاشیسم اعلام کرده است. خلق انقلابی و طبقه کارگر و نهضت اتحادیه کارگری ما از هیچ

گونه تلاشی در جهت این ابتکار تابناک تا بالاترین نقطه اجابت و کارکرد آن فروگذار نخواهد کرد .

ما بر آن هستیم که بسیج امریکای لاتین و نهضت جهانی اتحادیه کارگری می تواند نقش بس مؤثری در وظیفه منزوی کردن هرچه بیشتر شورای نظامی فاشیستی شیلی بازی کند و نگذارد که آنان ساز و برگ هایی را که از چند کشور مختلف سرمایه داری درخواست کرده اند دریافت کنند ، چه ، قصد آنان این است که با آن سلاح ها مقاومت خلق را علیه رژیم کثیف خود سربکوبند ، دست این جلادان را کوتاه کنید و زندگی رزمندگان خلق را که در سیاه چال ها و اردوگاه های کار اجباری به بند کشیده شده اند نجات دهید . شما کارگران سراسر جهان هر چه يك پارچه تر متحد شوید ! (ابراز احساسات)

اکنون ، اما ، دیگر زمان آن گذشته است که فاشیست ها و امپریالیست ها بتوانند از روی هوی و هوس خود این کار را بکنند یا آن کار را نکنند . پیروزی انقلاب اکتبر و پیشرفت کشور شوراهای و پیروزی قهرمانانه خلق آن بر فاشیسم و ظهور اردوگاه سوسیالیسم و پیشرفت های فوق العاده آن در تمام زمینه ها و ظرف های جنبش آزادیبخش خلق های زیر سلطه استعمار و استعمارنو و پیروزی قهرمانانه و نمونه خلق ویتنام (کف زدن حضار) تغییرات ژرفی در نیروهای به هم پیوسته جهان پدید آورده است ، امروز شرایط سر به سر دلخواهی برای کشورهای انقلابی و اوضاع کاملا ناسازگاری برای امپریالیسم و سرعم تنی اش ارتجاع جهانی وجود دارد . بنابراین ، ما کوچک ترین تردیدی نداریم که خلق شیلی و تمام خلق های تحت ستم این قاره نیز پیروز خواهند شد ! (ابراز احساسات) ما کمترین شکي نداریم که جنبش انقلابی و آزادی در سرتاسر جهان پیش خواهد رفت بدون آن که کسی قادر باشد آن را متوقف کند ! (کف زدن حضار)

انقلاب ما که ، با رزمندگی پایدار و کوشش های فداکارانه

کارگران ما همراه با مساعدت‌های برآور مین لنین از بوثه آزمایش این سال‌های محاصره اقتصادی و تجاوز و انزوای تقدیمی امپریالیسم با سرافرازی قامت برافراشته است ، امروز بسا گامی مطمئن در راه پیشرفت اقتصادی و تربیت نسل‌های تازه و آموزش و تربیت همه مردم به اتکای عمیق‌ترین روحیه همبستگی و انترناسیونالیسم پیش می‌رود .
ما نیک می‌دانیم ، که درگزینش هاوانا به عنوان ستاد این اجلاس با اهمیت ، شما نیز میل داشتید همبستگی و احساسات برادرانه فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری را نسبت به انقلاب و طبقه کارگر و سازمان مرکزی اتحادیه‌های کارگری کوبا ی ما ابراز کنید و نسبت به یکی از اشخاصی که معلم کارگران کوبا و یکی از اعضای پرشور فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری بود ، یعنی رفیق فراموش ناشدنی لازاروپنا (Lazaro Pena) ادای احترام نمایید
(کف زدن طولانی) .

این حرکت برادرانه و انقلابی از جانب شما نمایندگان معتبرترین و استوارترین سازمان‌های کارگران رزمنده نهضت جهانی اتحادیه کارگری عمیق‌ترین و بی‌شایبه‌ترین تشکرات ما را سبب می‌شود .
نهضت کارگران ما که امروز توانا است و در پیکار آب دیده شده و جنبشی است دموکراتیک درین فرصت به اطلاع شما می‌رساند که در انجام وظایف فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری از هیچ گونه تلاشی دریغ نخواهد ورزید . در مقابل انگیزش‌های پرشوری که شما برای ما به ارمغان آوردید ، انقلاب ما تنها به یک طریق ممکن می‌تواند پاسخ بگوید : به اتکای این که هر روز نسبت به اندیشه‌های مارکس و انگلس و لنین ، انقلابی‌تر و انترناسیونالیست‌تر و وفادارتر باشید !

Patria O Muerte! Venceremos! - یا مرگ یا میهن ! ما

پیروز می‌شویم ! (زهارة حضار)

پایان



انتشارات شاهنک
خیابان انقلاب - فروردین - مشتاق

دوگفتار از کاسترو

ترجمه: ج- نوایی

چاپ اول/تابستان ۱۳۵۸

دیجیتال کننده: نینا پویان